

بحران کرونا یا بحران سرمایه داری

کنون دیگر همه جا از شوک و یا بحران کرونا صحبت می شود. قدرتمندترین اقتصادهای جهان پنهان نمی کنند که نتایج حاصل از این شوک به مراتب عمیق تر از بحرانی خواهد بود که از سپتامبر ۲۰۰۸ آغاز گشت. از همین حالا هزاران میلیارد دلار توسط دولت های سرمایه داری در اختیار مؤسسات مالی و صنعتی گذاشته شده است. در بوق و کرنا دمیده می شود که کارگران و کارکنان بیکار شده این مؤسسات هم سهمی از این هزاران میلیارد کمک مالی نصیب شان خواهد شد. در اروپا جدال بر سر شریک شدن همه کشورهای اروپایی بر سر یک صندوق مشترک بالا گرفته و شکاف موجود در اتحادیه را عمیق تر کرده است. ایتالیا، اسپانیا و حتی فرانسه دولت های آلمان، هلند و اتریش را متهم به عدم همبستگی می کنند. پژوهشگران اجتماعی و روانشناسان انگشت بر تبعات اجتماعی و روانی این بحران می گذارند. ترامپ رئیس جمهور راسیست ایالات متحده که در ابتدا وجود این بیماری را به عنوان یک بحران نفی می کرد، زمانیکه که روزانه آمار ابتلاء هزاران نفر در آمریکا انتشار می یافت، یکبار دیگر جوهر راسیستی اش برملا گشته و آنرا ویروس چینی خواند. ولی زمانیکه آمار مبتلایان در آمریکا مرز مبتلایان در چین را پشت سرگذارد و داد و فغان سرمایه داران به آسمان رفت، تصویب دو هزار و دویست میلیارد دلار با استناد به قانون شرایط ویژه و اضطراری را اعلام کرد و اینکه چک هایی به مبلغ هزار و دویست دلار به در خانه مردم پست خواهد شد. و البته معلوم نیست آن میلیون ها نفری که فاقد بیمه درمانی اند، آن ده میلیون نفری که گفته می شود بیکار گشته اند، آنهایی که در بخش اقتصاد غیر رسمی در حالت عادی هم به سختی گذران زندگی می کنند، چگونه



بحران کرونا، انتخاب بین سود یا نجات جان انسان ها!



فاجعه ی کرونا طبقاتی است،

برای خیزش طبقاتی سرنوشت ساز پسا - کرونا آماده می شویم!



ایران به دوره قبل از بحران کرونا باز نخواهد گشت!

بیانیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

فاجعه جهانی کرونا نشانه شکست و در ماندگی نظام سرمایه داری



با این مبلغ باید هزینه دوا و درمان، هزینه خورد و خوراک خانواده، اجاره خانه، و یا باز پرداخت وام‌هایشان را تأمین کنند.

در آلمان قلب تپنده اقتصاد اروپا هفتصد و پنجاه میلیارد یورو جهت مقابله با تبعات بحران کرونا در اقتصاد اختصاص داده شد. وزرای مالی، اقتصاد و کار و امور اجتماعی با سخاوتمندی اعلام کردند که کارگران بیکار شده، شصت در صد مزد خود را از خزانه دولت دریافت خواهند کرد. اینجا هم در شرایطی که بیش از چهارمیلیون نفر از کارگران قراردادی و نیمه وقت حتی در شرایط عادی برای تأمین حداقل مایحتاج خود باید هر ماه به صندوق کمک‌های اجتماعی مراجعه کنند و اگر اکنون در شرایطی باشند که این شصت درصد به آنها هم تعلق بگیرد، چگونه باید هزینه روزانه خانواده خود را تأمین کنند. البته می‌توان به راحتی گمانه زنی کرد زمانی که در قلب تپنده اقتصاد اروپا وضعیت بر این منوال است، مردم در کشورهای جنوبی اتحادیه اروپا از جمله ایتالیا، اسپانیا و

یونان که قبل از شوک کرونا هم از تبعات بحران سال ۲۰۰۸ رنج می‌بردند، در چه وضعیتی قرار گرفته اند.

اگر چه ایدئولوژیهای بورژوازی، سران دولت‌ها و مدیاهای کارگزارشان سعی می‌کنند که جوهر اصلی آن چیزی را که

دارد اتفاق می‌افتد در پرده نگه دارند و شاید برای مدتی بتوانند در دل شوک وارده به همه حوزه‌های اجتماعی به مردم بقبولانند که کرونا "دمکراتیک" است و می‌تواند سراخ هرکسی بیاید و شاید برای مدتی از طریق میلیتاریزه کردن جامعه، تعطیلی رستوران‌ها، کافه‌ها، تئاترها، مراکز فرهنگی، بستن مهد کودک‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و سالن‌های تجمع بی‌خانمان‌ها را به بهانه جلوگیری از شیوع ویروس و با ژست‌های خیرخواهانه "جهت حفظ سلامتی خود در خانه بمانید" را از بام تا شام فریاد بزنند و افکار سازی کنند با وجود همه این ترفندها ما تردیدی نداریم که بسان همه پژوهشگران علم و اقتصاد سیاسی غیر وابسته به سرمایه داران بگوئیم که بحران کرونا از دل یک بحران عظیم دیگری بیرون آمده است که مدتهاست بشریت را در چنگال خود اسیر نموده است. این بحران

نام واقعی اش، بحران سرمایه داری است. تا همین چند ماه پیش در گوش ما می‌خواندند که بحران سال ۲۰۰۸ تکرار نخواهد شد. گویا هم بازار و هم دولت‌ها آموخته اند که چگونه از بروز چنین بحران‌هایی جلوگیری کنند. در گوش ما می‌خواندند که تبعات بحران ۲۰۰۸ را پشت سر گذارده‌ایم. ولی همان زمان هم همه آمار و ارقام نشان می‌دادند که حتی قوی‌ترین اقتصادهای سرمایه داری هنوز به سطح رشد قبل از بحران مذکور نرسیده اند. همه داده‌ها نشان می‌دادند که آنچه را که مهار بحران می‌نامند چیزی جز طرح‌های ریاضت اقتصادی نبود که اکنون در بستر شوک کرونا نتایجش را دست‌کم در بخش بهداشت و بویژه در کشورهایی می‌بینیم که بی‌رحمانه سیاست‌های نئولیبرالی خصوصی سازی و کاهش خدمات اجتماعی را به پیش بردند. همه روزه آمار مبتلایان و مرگ و میرها را در ایتالیا، در اسپانیا، در آمریکا را می‌شنویم، همه روزه آمارهای دستکاری شده را از ایران، ترکیه، برزیل می‌شنویم و همزمان



سران این دولت‌ها سعی می‌کنند که به ما بقبولانند که همه این امر ناشی از بی‌توجهی این یا آن اسکی باز در منطقه مشخصی در اتریش، بی‌توجهی مقامات چینی در ووهان، جنگ بیولوژیکی آمریکا علیه این یا آن کشور و دلایلی از این نوع می‌باشد. ولی در دل این تبلیغات کرکننده آنچه که فراموش می‌شود این است که مثلا شرایط وخامت بار بیمارستان‌ها در ایتالیا نتیجه مستقیم سیاست‌های بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک مرکزی اروپا در جریان بحران ۲۰۰۸ است. مگر نه اینکه به فرمان این نهادها، با وجود افزایش یک و نیم میلیون نفر به جمعیت ایتالیا بودجه بخش بهداشت دو درصد یعنی معادل سی و هفت میلیون یورو کاهش یافت. نتیجه این کاهش بلافاصله خود را در کاهش تعداد پزشکان، پرستاران، مددکاران اجتماعی و کاهش هفده

در صد از کل تخت‌های بیمارستان‌ها بود. در آلمان در همین فاصله صدها بیمارستان عمومی و خصوصی تعطیل شدند. در آمریکا کاهش بودجه بخش بهداشت فقط در شهر نیویورک منجر به حذف بیست هزار تخت بیمارستان‌ها شد و در این صورت چرا باید تعجب کرد که نیویورک به تنهایی بیش از کشور آلمان مرگ و میر و مبتلا به ویروس کرونا دارد. در انگلستان سال‌هاست که جدالی همه روزه برای مرخص کردن زود هنگام بیماران از بیمارستان‌ها جریان دارد.

این کارگزاران سرمایه به ما نمی‌گویند که کمپانی‌های داروسازی تمایل و علاقه چندانی برای سرمایه‌گذاری و تحقیق در مورد بیماری‌های عفونی و یا تمایلی جهت آماده سازی برای مقابله با بحران‌های بهداشت عمومی ندارند. برای کمپانی "بایر" غول داروسازی جهان بهتر است که برای تولید انواع کودهای شیمیایی در بخش کشاورزی سرمایه‌گذاری کند، کودهایی که مملو از آنتی بیوتیک‌های گوناگون هستند که مصرف این محصولات کشاورزی اثرات آنتی بیوتیک در انسان را کم کرده و زمینه سود دهی بیشتر این کمپانی‌ها را فراهم می‌سازد. در منطق سرمایه‌دارانه آنان هرچه مردم بیشتری بیمار شوند به همان اندازه به داروی بیشتری نیاز دارند و به همان اندازه هم ارزش سهام این کمپانی‌ها بالا می‌رود. اینان به ما نمی‌گویند که چه رابطه مستقیم و تنگاتنگی بین ویروس‌های جدید با تولید صنعتی مواد غذایی و منطق سود آوری شرکت‌های چند ملیتی وجود دارد. اینان به ما نمی‌گویند زمانی که سرمایه تا آخرین تکه از جنگل‌ها پیش می‌رود، چگونه این جنگل زدایی موجب بیماری‌های گوناگون می‌شود. آنها به ما نمی‌گویند آن ویروس‌هایی که پیشترها در دل طبیعت مدفون بودند، چگونه به دامداری بومی و جوامع انسانی سرازیر می‌شوند. اما این کشاورزی تجاری که می‌خواهد بازار غذا را قبضه کند در کنیا، در گینه بیسائو، در سواحل عاج، در حاشیه نشین‌های شهرهای بزرگ برزیل، آفریقای جنوبی و یا در اسلام آباد ننشسته اند. اینان در لندن، در نیویورک، در هنگ کنگ، در برلین، در پاریس و بطور کلی در مراکز سرمایه حضور دارند و بنابراین چگونه می‌توان پنهان کرد که هم اینان تولیدکنندگان واقعی انواع ویروس‌ها هستند که تبعاتش زندگی میلیون‌ها انسان را به نیستی می‌کشاند. بنابراین حق داریم که بگوئیم بحران کرونا نتایج بلافاصله بحران نظم سرمایه داری است. این نظم را باید سرنگون ساخت.



بحران کرونا، انتخاب بین سود یا نجات جان انسان ها!

استدلال کرد که شیوع بیماری "کمی بیشتر از آنفولانزای عادی" است. پاسخ دیر هنگام دولت به این بحران تعطیلی مدارس، دانشگاه ها و قرنطینه برخی از شهرها بود. تشدید بحران کرونا در شرایطی که زیر ساخت های بهداشتی و درمانی ایتالیا در نتیجه سالها اعمال برنامه های ریاضت اقتصادی شدت تضعیف شده بود و از کمبود امکانات پزشکی و نیروی متخصص رنج می برد، این بحران را به یک فاجعه انسانی تبدیل کرد. این بحران و کمبود دستگاههای اکسیژن رسانی پزشکان و متخصصان بخش های مراقبت های ویژه را به جایی رساند که بین بیماران انتخاب کنند که کدام یک زنده بماند و کدام یک بمیرد. در اسپانیا وضع از این بهتر نیست. در بریتانیا آقای نخست وزیر که با سخاوت از آماده کردن افکار عمومی برای دادن بیست هزار قربانی سخن می گفت، فقط زیر فشار افکار عمومی عقب نشینی کرد. آمریکا با شدت بیشتری از ضعف زیر ساخت های بهداشتی و درمانی رنج می برد.

در فرانسه همزمان با گسترش برق آسای ویروس کرونا و افزایش آمار قربانیان بیماری کووید-۱۹، و انتقاد صدها پزشک و کادر درمانی از دولت به دلیل از بین بردن ذخایر استراتژیک ماسکهای پزشکی در سالهای گذشته وزیر بهداشت این کشور فاش کرد که "حدود ده سال پیش و همزمان با نخستین هشدارهای جدی، دولت تصمیم گرفت

ذخیره استراتژیک ۱ میلیارد ماسک جراحی و ۶۰۰ میلیون ماسک FFP۲ داشته باشد." اما "نه تنها این تصمیم در سالهای بعد اجرایی نشد، بلکه ذخیره دولت در سالهای بعد کم و کم تر شد. به شکلی که در زمان آغاز بحران کرونا با کمبود ماسک روبرو شدند. این اوضاع نگرانی و خشم بسیاری از شهروندان از عملکرد دولت و طبقه حاکم در فرانسه را برانگیخت.

در ایران کسی نمی تواند انکار کند که رژیم جمهوری اسلامی از همان ابتدا بطور برنامه ریزی شده و با اهداف حقیر سیاسی حقایق مربوط به انتقال این ویروس به ایران و ابعاد شیوع آن را از مردم پنهان کرد. زمانی که خبر شیوع کرونا رسانه ای شد حوزه علمیه قم، مراجع رسمی حکومتی و رئیس اطلاعات سپاه پاسداران در شورای عالی امنیت ملی در برابر خواست عمومی قرنطینه قم

جهان در ارتباط است. در روزها و هفته های اول که این ویروس بدون مانع در حال شیوع بود از راه مسافران این پروازها از مرزها عبور کرده و به نقاط مختلف جهان انتقال می یافت. در چین هم مانند بسیاری دیگر از کشورهای سرمایه داری بیشترین بودجه به سمت تقویت زیر ساخت های اقتصادی مانند، پل ها، جاده ها، راه آهن، برق ارزان برای تولید، تقویت نیروی دریایی و بنیه نظامی دولت سرازیر شده و بودجه کمتری به تقویت زیر ساخت های بهداشتی و درمانی اختصاص یافته است. این تصادفی و طبیعی نبود که با اوج گیری بحران



با کمبود امکانات پزشکی و تخت و بیمارستان روبرو شد.

در ایتالیا جایی که در اروپا ویروس کرونا بیشترین مرگ و میر را بجای گذاشته است، شواهد نشان می دهد که ویروس کرونا مدتی قبل از آنکه اولین قربانیان خود را بگیرد، بدون مانع در ابعاد گسترده شیوع پیدا کرده بود. دولت ایتالیا به تبعیت از صاحبان تجارت و صنایع تولیدی و خدماتی که خواستار "راه حل متعادل" برای جلوگیری از تعطیلی مراکز تولید، رکود صنعت توریسم و گردش مالی بودند، به هشدارها و نگرانی های مراکز علمی و پزشکی و مردم عادی توجه نکرد تا شیوع کرونا به یک فاجعه انسانی و بحران غیر قابل کنترل تبدیل شد. در حالی که مرگ ناشی از کرونا انسانها را یکی پس از دیگری در آغوش می گرفت، فرماندار لومباردی از جریان راست افراطی

بنا به آمارهای منتشره شیوع ویروس کرونا تا کنون ۱۷۰ کشور جهان را در بر گرفته و به سرعت در حال گسترش است. بر اساس گزارش ها در نتیجه پیشروی لحظه به لحظه ویروس کرونا در سراسر جهان حدود ۴۰۰ هزار نفر مبتلا شده و بیش از ۱۸ هزار نفر جان خود را از دست داده اند. سرعت شیوع این ویروس، ابعاد مبتلایان و مرگ و میری که از خود بر جای گذاشته و خوف و هراسی که به راه انداخته است، جهان را با یک فاجعه انسانی روبرو کرده است. اما به این بلای فاجعه بار طبیعی، نباید به عنوان هجوم یک پدیده غیر قابل پیش بینی به جامعه بشری نگریسته شود. نباید یک لحظه فراموش کرد که همه گیر شدن این ویروس و جهش آن از یک شهر به شهر دیگر، از یک جغرافیای سیاسی به یک جغرافیای سیاسی دیگر و از یک قاره به قاره دیگر بر بستر یک نظم اقتصادی و اجتماعی و سیاسی اتفاق می افتد. بنابراین طبیعت "انترناسیونالیستی" و همه گیر کووید ۱۹ را نمی توان بدون در نظر گرفتن ماهیت و ساختار سرمایه داری درک کرد. هجوم کرونا می تواند یک بلای طبیعی باشد، اما ابعاد کشتاری که به راه انداخته و قرار دادن پزشکان در ایران و ایتالیا و سپس در اسپانیا و ... در موقعیتی که بین بیماران ویروس زده انتخاب کنند که کدام یک زنده بماند و کدام یک بمیرد یک پدیده طبیعی نیست. این شرایط غیر انسانی را نظام سود پرست سرمایه داری به انسان ها تحمیل کرده است. این نظام سرمایه داری و دولت های حامی آن هستند که در بین دفاع از سودآوری سرمایه و دفاع از نجات جان انسان ها دفاع از سود سرمایه را در اولویت خود قرار داده اند.

با گذشت بیش از سه ماه از ظهور و شیوع ویروس کرونا همه گزارش ها و شواهد نشان می دهند که دولت های سرمایه داری نقش غیر قابل انکاری در شیوع جهش وار این اپیدمی داشته اند. اگر چه دولت چین از زمانی که به شیوع این ویروس در خاک خود اعتراف کرد به دلیل ساختار دولتی در مقایسه با دولت های دیگر در مقابله با این ویروس و کنترل شیوع آن موفق تر عمل کرده است، اما در همانحال خود عامل انتقال سریع این ویروس به نقاط دیگر جهان بود. شهر ووهان که گفته می شود زادگاه این ویروس است با شبکه مترامی از ارتباط با سایر شهرها دارای فرودگاه بین المللی است و با صدها پرواز روزانه با نقاط مختلف



بیانه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

فاجعه جهانی کرونا نشانه شکست و درماندگی نظام سرمایه داری

حتی در پیشرفته ترین کشورها نتواند از پس اپیدمی هایی از نوع کرونا برآید. این دولتها از زمانیکه در ماه دسامبر نخستین علائم شیوع وسیع ویروس کرونا در "ووهان" چین آشکار شد فرصت داشتند که با اولویت دادن به سلامت مردم و نه منفعت سرمایه، امکانات خویش را بسیج کنند. اما هم از طریق پنهانکاری و هم از طریق اصرار بر گردش چرخ سرمایه، موجبات آلودگی صدها هزار نفر را فراهم کردند که قطعاً به میلیونها نفر افزایش خواهد یافت. فاجعه ای که تا این لحظه دست کم جان بیست و چند هزار انسان را در سراسر جهان گرفته است.

اگر در گذشته بیماری ابولا دمار از روزگار کشورهای آفریقایی در می آورد و یا همین حالا بیماری پیش پا افتاده ویا در یمن جنگ زده و هائیتی زلزله زده دارد جان هزاران نفر را میگیرد، اکنون کرونا در قلب امریکا و اروپای پیشرفته دارد رکوردهای جدیدی از جانباختن شهروندان را به نمایش میگذارد. نتیجه این درماندگی ساختاری این شده که در ایتالای عضو باشگاه امپریالیستی GV علناً اعلام میکنند که راهی جز کشیدن لوله اکسیژن از دهان افراد مسن و فرستادن عمدی آنها به گورستانها ندارند و یا نخست وزیر بریتانیا با وقاحت صحبت از ضرورت ابتلای هفتاد درصد از مردم برای ایجاد "مصونیت جمعی" میکرد و حاضر نبود بدون فشار کادر زحمتکش درمانی و مردم، تن به سیاست پیشگیری و قرنطینه بدهد. همین نوع سیاستها در سایر کشورها نظیر امریکا نیز پیش گرفته شده که اکنون دارند عواقب وحشتناک آنرا به چشم می بینند.

در ایران که عملکرد سیستم سرمایه داری با استبداد فاشیستی، تحجر مذهبی، درماندگی و تعدد مراکز تصمیم گیری تلفیق شده است، بحران کرونا دارد در ابعادی وسیع جان مردم و کادر درمانی را میگیرد.

این رژیم که از روزها قبل از راهپیمایی دولتی ۲۲ بهمن و انتخابات نمایشی دوم اسفند از شیوع ویروس کرونا در قم آگاه شده بود، عمداً برای تحت تاثیر قرار نرفتن این دو نمایش دولتی، و نیز نگاه امنیتی رژیم به بحرانهایی از این دست، به سیاست پنهانکاری روی آورد. درحالیکه سیستم بهداشتی قم سخن از تبدیل "مقبره معصومه" به مرکز صدور ویروس کرونا به سراسر ایران میکرد، مقامات استانی و دولتی و متحجرین مذهبی با کفر دانستن چنین اهانتی به حرم معصومه، آنرا توطئه دشمنان خارجی برای بی عصمت کردن امامان و امامزادهای شیعه

شیوع ویروس کرونا و تلفات تراژیک تاکنونی آن، یکبار دیگر نشان داد که نظام سرمایه داری با پایه ای ترین حقوق فردی و اجتماعی انسان امروز از جمله حق سلامتی و حق حیات در تناقضی مهلک قرار دارد. این فاجعه، رعدی در آسمان بی ابر نبود. از قبل مشخص بود یعنی باید مشخص میبود که نظام سرمایه داری به دلیل اولویت دادن به الگوی توسعه اقتصادی مبتنی بر کسب حداکثر سود، نه تنها برای بشریت بلکه برای طبیعت نیز ارزشی قائل نیست. اینرا حتی کارشناسان محیط زیست و دانشمندان و اساتید دانشگاهی همین نظام نیز اکنون اعتراف میکنند که ویروسهای جدیدی مثل کرونا محصول تحت فشار بودن محیط زیست حیوانات و طبیعت کره زمین است که سبب جهش های ژنتیکی و بسیار هوشمندانه این نوع ویروسها و میکروبها می شود.

بحران کرونا پدیده ای غیرقابل پیش بینی نبود. در دو دهه اخیر، بشریت شاهد اپیدمی هایی چون: جنون گاوی، آنفولانزای خوک، ابولا، سارس و مرس بوده است، بنابراین هر حکومت و جامعه ای که برای سلامت و معیشت شهروندان خود ارزشی قائل بو، باید از قبل خود را برای چنین روزهایی آماده میکرد. اما این آینده نگری با ذات نظام سرمایه داری در تضاد است. این سیستم بویژه کشورهای امپریالیستی برای نابودی کره زمین و همه مردمان آن با بمب و گلوله، نه یکبار بلکه برای چندین بار، ذخیره در زرادخانه های خود دارند، اما برای حفظ سلامت شهروندان و کادر درمانی، حتی از فراهم کردن امکانات ابتدایی چون: ماسک، روپوش مخصوص، الکل پزشکی، ژل ضدعفونی، دستگاه اکسیژن مصنوعی، تخت بیمارستانی کافی و ... ناتوان است.

بحث ابدأ این نیست که گویا این دولتها و کشورها با ضعف مدیریت روبرو هستند (تردیدی نیست که در برخی از کشورها نظیر ایران درماندگی سرمایه داری با بحران مدیریت و تعدد مراکز تصمیم گیری نیز عجین شده است) معضل اساسی همانا این است که نظام سرمایه داری برای حفظ سلامت مردم و حفاظت از محیط زیست، ارزشی قائل نیست و اگر اینجا و آنجا برخی محدودیتها و عقب نشینی ها را پذیرفته، ناشی از فشار جنبش های اجتماعی بویژه جنبش مبارزه برای ارزشهای سوسیالیستی طبقه کارگر بوده است.

نتیجه این درماندگی و اولویت دادن به سود سهام کمپانیها و ابر سرمایه داران، این شده که سیستم درمانی

و دیگر اماکن مذهبی برای جلوگیری از انتشار بیشتر ویروس به شدت مقاومت کردند. رژیم با این رویکرد غیر عقلانی پدیده شیوع کرونا را به یک بحران خارج از کنترل تبدیل کرد و ایران به یکی از کانون های شیوع این ویروس در خاورمیانه و جهان تبدیل شد و بیشترین شمار قربانیان را از مردم ایران گرفت.

اگر چه تجارب تاکنونی به وضوح نشان داده است که آزمایش گسترده ای برای کووید ۱۹، جداسازی داوطلبانه آنهایی که علائم را نشان می دهند، و به دنبال آن ردیابی تماس و قرنطینه کسانی که در تماس نزدیک بوده اند و بستری کردن افرادی که به مراقبت های ویژه نیاز دارند و همزمان با آن قرنطینه شهرها و رعایت دستورالعمل های بهداشتی راه مؤثر مقابله با شیوع این ویروس می باشد. اما اجرای همین دستورالعمل های ساده قربانی سود پرستی دولت ها و طبقات حاکم شده و درصد قربانیان این ویروس را به شدت بالا برده است. بطوریکه در ایتالیا حدود ۹ درصد و در ایران بیش از ۱۰ درصد افرادی که به این ویروس مبتلا می شوند جان خود را از دست می دهند. این در حالی است که با تقویت زیر ساخت های بهداشتی می توان درصد قربانیان را به کمتر از یک درصد کاهش داد.

اما نظام سرمایه داری که عامل همه گیر شدن این نوع اپیدمی ها است قادر به کنترل بموقع این بحران ها نیست. برای ریشه کن کردن زمینه های این نوع فجایع و پاسخگویی به سایر نیازهای هفت و نیم میلیارد نفره کره زمین، برای رهایی جهان از تقسیم طبقاتی، جنسیتی، نژادپرستی، درگیری امپریالیستی و تغییرات فاجعه بار آب و هوا ایجاد یک تحول سوسیالیستی به یک ضرورت عملی تبدیل شده است.

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می شود!

سر دبیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هیئت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

تماس با
کمیته تشکیلات داخلی کشور
حزب کمونیست ایران

h.faalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۴۵۹۷۵۲۱۵۵۱

۰۰۴۶۷۳۷۲۷۶۷۶۹

۰۰۴۶۸۷۱۰۸۵۲۵

تماس با کمیته تشکیلات
داخلی کومه له (تکلیف)

takesh.komalah@gmail.com

حلقوم کمپانیهای بزرگ است، ولی وقتی به بیکاران و زحمتکشان میرسند به سیاست قطره چکانی روی می آورند. حتی در پیشرفته ترین کشورها سخن از اعطای پنجاه تا هفتاد درصد حقوق بیکاری به کارگران و شاغلین میکنند.

به همین خاطر بلند کردن پرچم: "سلامت، معیشت، منزلت، حق مسلم ماست" بیش از هر زمان الویت پیدا کرده است. کوبیدن بر خواستههای سوسیالیستی جنبش ما نظیر: آموزش رایگان، درمان رایگان، بیمه بیکاری مکفی، و حق هر انسان برای برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه، و نیز گسترش مبارزه برای حفظ محیط زیست انسانها و حیوانات و گیاهان و مبارزه با تبعیض و نابرابریهای طبقاتی و عبور از نظام جهنمی سرمایه داری، بیش از هر زمان به یک ضرورت عاجل تبدیل شده است. در این دوران حساس از تاریخ جهان، باید بر همبستگی اجتماعی، خودیاری و مددسازی به اقشار آسیب پذیرتر نظیر: سالمندان و معلولین تاکید و توجه ویژه ای داشت. با ایجاد کمیته های مردمی در هر محله و منطقه به یاری کسانی بشتابیم که بحران کرونا مانع از دسترسی آنها به اولیه ترین نیازهای غذایی و بهداشتی شده است. البته نشانه هایی از خود سازمانیابی را در ایران و سایر کشورها مشاهده میکنیم که ضروری است در همه عرصه ها گسترش یابد.

"شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" ایران، همدردی عمیق خود را با خانواده های جانباختگان کرونا اعلام میکند و همچون اکثریت مردم، به کادر درمانی زحمتکش ایران و سراسر جهان درود میفرستد که علیرغم درماندگی دولتهای سرمایه داری دارند با چنگ و دندان و با به خطر انداختن سلامتی خود، از جان بیماران حفاظت میکنند.

مبارزه برای آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی وافشای هرچه بیشتر چهره کثیف و انسان ستیز نظام سرمایه داری و ارتجاع مضاعف دینی وظیفه ایست که در برابر جنبش طبقاتی و نیروهای چپ و کمونیست قرار دارد و باید تاکید کرد که تنها با عبور از جهنم سرمایه داری و گذار به سوسیالیسم است که انسان هویت انسانی و حقوق انسانی خود را به چنگ خواهد آورد و این ممکن نیست مگر با سرنگونی انقلابی حاکمیت ارتجاع مذهبی و سرمایه داری توسط طبقه کارگر و متحدین بیشمارش برای حاکمیت اکثریت عظیم بر اکثریت عظیم.

نابود باد نظام درمانده سرمایه داری

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۲۸ مارس ۲۰۲۰ - ۹ فروردین ۱۳۹۹

اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمیتست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت

تلقی کردند. در واقع جمله تاریخی کارل مارکس مبنی بر اینکه "دین افیون توده هاست" بار دیگر حقانیت خود را به اثبات رسانیده است!

اکنون نه تنها در ایران تحت حاکمیت اسلامی، بلکه در مناطق و کشورهای مسیحی، یهودی، هندو و ... هم به خاطر «ترکیب سرمایه و دین و استبداد» در حاکمیت، فاجعه تلفات انسانی در حال گسترش است، به ویژه در ایران در بند استبداد دین و سرمایه، رژیم سعی دارد با ارایه آمارهای تقلبی گسترش تلفات انسانی را کتمان کند. این رژیم تنها به ابتلای سی هزار نفر و مرگ ۲۳۰۰ نفر اعتراف کرده است اما بسیاری از کارشناسان و آگاهان و مردمان ساکن ایران از جمله سازمان بهداشت جهانی رقم واقعی را احتمالاً پنج برابر این میزان ارزیابی کرده اند!

رژیم انسان ستیز حاکم حتی برای حدود سه ماه حاضر نشده برخی سیاستها مبنی بر غربالگری و قرنطینه را در شهرها و استانهای ایران اجرا کند درحالیکه کشورهای نظیر چین با اجرای قاطع و سریع این سیاست توانستند تا حدودی از ابعاد فاجعه بکاهند. حکومت درمانده سرمایه داری و مذهبی ایران از زبان رهبرش حتی به بافتن خیال بافی های مالیخولیایی نظیر "توطئه دشمن برای تولید ویروس منطبق با ژن ایرانی!!" روی آورده و درعین حال که از ادامه سیاستهای تحریمی امریکا می نالید و آنرا بهانه ای برای کتمان درماندگی خود قرار داده بود، حاضر نشد به بهانه همین "تئوری توطئه" کمکهای یک سازمان مستقل نظیر "سازمان پزشکان بدون مرز" را برای احداث یک بیمارستان صحرائی مجهز در اصفهان بپذیرد و علیرغم موافقت وزارت بهداشت با دریافت این کمک، بعد از ورود امکانات این سازمان، جلوی فعالیت آنها را گرفتند که جهانیان را در بهت فرو برد!! این سیاست در حالی عملی میشود که سیستم درمانی ایران حتی تا قبل از شیوع کرونا به اعتراف رسانه های داخل کشور از کمبود دویست هزار پرستار و هزاران دکتر و متخصص و تحت بیمارستان و امکانات اولیه دیگر رنج میبرد. فشار طاقت فرسایی که بر کادر درمانی زحمتکش ایران وارد میشود تا کنون جان دهها نفر از پرستاران و پزشکان را گرفته است. در سایر کشورهای حتی پیشرفته سرمایه داری نیز شاهد همین فشار طاقت فرسا بر سیستم درمانی هستیم.

علاوه بر این معضل، جهان شاهد یکی از عظیم ترین بحرانهای اقتصادی دو دهه اخیر خود بوده است. تا کنون بازارهای بورس و اقتصاد سرمایه داری سقوط هزاران میلیارد دلاری را تجربه کرده اند. صدها میلیون نفر از کارگران و زحمتکشان در سراسر جهان شغل و درآمد خود را از دست داده اند یا به موازات رشد بحران، در حال از دست دادن هستند. واکنش دولتهای سرمایه داری همچون بحران بزرگ ۲۰۰۸ ریختن تریلیونها دلار از بودجه کشور و بانکها به

عباس منصوران

فاجعه‌ی کرونا طبقاتی است!

برای خیزش طبقاتی سرخوشت ساز پسا-کرونا آماده می‌شویم!

کشور جهان از جمله، کانادا، سوئد، سوریه، کردستان، عراق و... بود. خط هوایی ماهان در مالکیت باند سپاه، با پروازهای شبانه روزی خود از ایران و چین و برخی کشورها در پخش بیماری نقش اساسی داشته‌اند.

بنابراین، پندار بافی یا تئوری توطئه که گویا این یک دستکاری و بیروسی در آزمایشگاه‌های چین یا امپریالیسم آمریکا صورت گرفته، فرضیه‌ای دروغین و بی‌پایه‌ی حکومتی بود. نخستین بار، خامنه‌ای و ترامپ و رهبران چین و سپس برخی دیگر سران حکومتی به چنین تبلیغاتی دامن زدند. منافع حکومتی-طبقاتی البته حکم می‌کرد که حکومت‌ها برای رفع مسئولیت و انکار اهداف سیاسی و اقتصادی خویش به ابزار تئوری توطئه پناه ببرند. خامنه‌ای آنرا «جنگ بیولوژیک» اعلام کرد تا بسیج و نیروهای ویژه و سپاه سرکوب‌اش را به خیابان‌ها بفرستند. «امام خامنه‌ای» به اعلام هجوم «اجنه‌ی» کافر به قم و ام‌القراء مسلمین و توسل به سلاح شیمیایی ایدئولوژی، فاجعه‌ی کشتار اپیدمی را امامت کرد. در کنار این دو سلاح ایدئولوژیک و تئوری توطئه، نیروهای سرکوب و بدون مرز نظام به خیابان‌ها آمدند. تلاش شد تا با این تاکتیک انحرافی، همه مراکز جهل و فریب و سرقت، از امام هشتم‌اشان تا خانواده و خویشان و امامزادگان دروغین و واقعی، مساجد، نمازهای جمعه و جمکران و... بسیج شوند تا وجود همه‌گیری و مسئولیت حکومت اسلامی در گسترش این فاجعه را انکار کنند. حمله و شکستن در ورودی قبر معصومه، خواهر امام هشتم شیعیان و هجوم لباس شخصی‌های «آتش به اختیار» خامنه‌ای و لیسیدن قبر معصومه در قم و... آنچنان نفرت آور بود که به ظاهر ناچار شدند به لشکر دعا افسارگسیخته، افسار زده شود. نقش دستگاه‌های فریب و هم سرقت، بنیاد ایدئولوژیک حکومت اسلامی و نیز پایه دوم حاکمیت رژیم یعنی دشمن نامرئی و خارجی و داخلی نمایی، در پنهان‌کاری فاجعه‌ی کرونا، دو پایه همیشگی حکومت اسلامی با ویروس کرونا در هم شکسته شد.

این فاجعه، در «ووهان»، یک رخداد طبیعی بود مانند زلزله‌ای در یک گسل منطقه‌ای، که به گونه‌ای غیرطبیعی، در ابعاد جهانی سونامی آفرید و فاجعه آفرین شد. برخلاف تبلیغات دروغینی که ویروس و

ویروس کرونا را هشدار داده بود پس از دستگیری در شهر «ووهان» جان باخت. این بیماری و این ویروس به سادگی از ماه نوامبر ۲۰۱۹ قابل کنترل بود و بیماری نیز به سادگی قابل پیشگیری بود و حتی می‌توانست در حد ۲ درصد کشتار فراتر نرود. می‌شد پاندمی نشود و می‌شد تاریخ جهان را اینگونه رقم نزنند. اما فاجعه آفریده شد، نه به دست کووید-۱۹ و نه به دست خفاش و مورچه‌خوار پولک‌دار (پنگولین) که اینها «بی‌گناه» بودند. هرچند می‌توان برهان آورد که این ویروس با میوتاسیون جدید برای قوای ایمنی بدن و برای جامعه‌ی بهداشتی و درمانی جهان، پدیده‌ای ناشناخته بود.

ویروس جدید با جهش ژنتیکی خود باید در بدن خفاش پروسه‌ای را می‌گذرانید تا این سیر جهشی تکمیل شود. خفاشان که بدون آنها جنگل و گیاهان جهان نیز در میان نبود، خود با خوردن حشرات و نیز پروازهای دراز، این ویروس را پس از میزبانی و دوره تکمیلی به همراه هر پروازی پخش کردند و این بار در چرخه‌ی انتقال به جانوران دیگر (مورچه‌خوار) به انسان منتقل شد. رد بیماری را در بازارچه‌ای در «ووهان» چین یافتند. شهر «ووهان» با نزدیک به ده میلیون جمعیت آلوده شد و مسافری و دلان کالاها چینی و و توریست‌ها ناقلین ویروس شدند. افزون بر ۵۰۰ نفر طلبه‌های چینی جامعه‌المصطفی در قم که برای دیدار خانواده در نوروز چین از سفر به قم بازمی‌گشتند تا اسلام را فراگیرند و به چین ببرند و نیز دلان کالاها و عوامل سیاسی و نظامی و اقتصادی حکومت اسلامی ایران که در رفت و آمد بودند نقش عوامل وارداتی و صادراتی این فاجعه را به‌عهده داشتند. جامعه‌المصطفی، پس از سازمان بسیج با ۹۲۴ میلیارد تومان، مرکز خدمات حوزه قم با ۸۰۰ میلیارد و شورای عالی حوزه‌های قم با ۳۴۵ میلیارد تومان، این مرکز تروریسم و تربیت کادرهای برون مرزی همراستا با سپاه قدس، در قم با ۳۰۹ میلیارد تومان در ردیف چهارم مرکز بودجه‌خوار ۱۷ گانه علنی حکومت اسلامی که قبرخیمینی با ۱۶ میلیارد تومان بودجه در ردیف آخر آن است. (۳)

قم و شاید که این مرکز تربیت کارگزاران خرافات و جعلیات و فریب برون مرزی و صدور تروریسم اسلامی، مرکز پخش ویروس و فاجعه در سراسر ایران و انتقال به بیش از ده

بیماری کرونو ویروس-۱۹ پاندمی شد، یعنی جهان را فراگرفت به گونه‌ای که دیگر هیچ کشوری ایمن نمانده است. این بیماری به ناگهان در ماه نوامبر ۲۰۱۹ از چین سرمایه‌داران بروز یافت و مرگبارانه همانند دیگر کالاهای بنجل به ایران و بسیاری کشورهای دیگر صادر شد. از ماه نوامبر با یک نفر در «ووهان» چین آغاز شد و بنا به آمارهای دولتی در جهان نزدیک به یک و نیم میلیون دچار بیماری و افزون بر ۷۰ هزار نفر از پای در آورده است که باید دستکم آنرا تا ۵ برابر افزون ساخت.

به راستی این ویروس چیست؟! اینک همه‌می‌دانند که از خانواده ویروس آنفولانزایی است و همان خانواده‌ای که همه ساله با جهش ژنتیکی (میوتاسیون - Mutation) تغییر ساختار می‌یابند و هر ساله همه‌گیر می‌شود و به گونه‌ای که بنا به همین جهش ژنتیکی، همیشه برای نیروهای دفاعی و امنیتی بدن جانوران از جمله انسان (گلبول‌های سفید) ناآشنا و گویی پدیده‌ای جدید ظاهر می‌شود. تا کنون انسان، در در ازای تاریخ، با میلیون‌ها نمونه‌ی گوناگون از ویروس‌های کرونا روبرو بوده است. از سال ۲۰۰۲ میلادی تا کنون، سه نمونه از ویروس‌های کرونو با جهش ژنتیکی، برای بشر، مرگ‌آورتر از دیگر کرونوها پدیدار شده است (ابولا که در آفریقا هراس آفرین و مرگ‌آور شد، از این خانواده نبود). سال ۲۰۰۲ کووید-۲، نمونه‌ی جهشی این خانواده، بیماری سارس (۱)

یا بیماری بسیار حاد دستگاه تنفسی که با ۸۰۰ کشته از ۸۰۰۰ بیمار (ده درصد مرگ و میر مبتلایان) و نیز کووید-۱۲ که در سال ۲۰۱۲ جهش یافت که به سندروم دستگاه تنفسی خاورمیانه‌ای (۲) یا «مرس» نیز مشهور شد با کمتر از ۲۰۰ بیمار و ۱۰۰ مرگ (نزدیک به ۵۰ درصد مرگ و میر مبتلایان) و اینک کووید-۱۹ که کم و بیش بنا به آمارهای دولت‌ها، بیش از ۷ درصد کشتار به یک فاجعه‌ی جهانی در همه ابعاد اجتماعی و اقتصادی جهانی تبدیل شده است. بر خلاف دو گونه‌ی سارس و مرس، این سومی می‌توانست با مرگ و میر ۲ در صد مبتلایان در شهر «ووهان» همان چین مهار شود. اما پنهان‌سازی جنایتکارانه حکومت چین تا گسترش فاجعه ادامه داشت و حتی لی ون‌لیانگ، پزشک جوان چینی که نخستین بار در سی‌ام ماه دسامبر ۲۰۱۹ نشانه‌های اپیدمی

جهانی (WHO) و... ابزارهای سرمایه‌داری به شمار آمده و غیرقابل اعتماد هستند. به یاد آوریم که سازمان بهداشت جهانی به سان یک ان جی او جهانی (INGO) (۴) نمایندگان را به ایران فرستاد و به تایید حکومت اسلامی بیانیه داد و «اقدامات حکومت اسلامی در مهار» کرونا را ستود. «ریچارد برنان» نماینده سازمان جهانی بهداشت در هنگام بازدید از استراحتگاه بسیج جامعه پزشکی رژیم به فرماندهی سردار محمدرضا یزدی، فرمانده سپاه محمد رسول الله تهران و علیرضا زالی رئیس دانشگاه «مستول عملیات و مدیریت بیماری کرونا» با بیان این که «ایران به منظور پیشگیری از ویروس کرونا در آمادگی کامل قرار دارد و اطمینان کامل داریم این ویروس کنترل می‌شود.» (۵) در فریب‌کاری حکومتی و گسترش فاجعه، همدستی کردند.

حکومت اسلامی ادعا می‌کند که در «صندوق توسعه ملی» ۱۵ میلیارد یورو ذخیره دارد که به اعتراف برخی از سران حکومتی، صندوقی خالی است و خامنه‌ای اجازه برداشت یک میلیارد یورو از آن را فرمان داد. یک میلیاردی که در چاه ویل حکومت باندهای فاسد و تروریسم نیابتی و ماشینی جنگی و بنگاهای جهل و جنایت فرو می‌رود و به کشتی‌های هواپیماهای و ماشینی‌های جنگی برای حزب‌الله و کتائب و حشد الشعبی و حوثی‌ها و سپاه قدس و سپاه‌های سرکوب و امنیتی‌های جنایتکار سرازیر می‌شود.

در شرایط بحرانی است که حکومت‌ها، در غفلت افکار عمومی و گرفتار شوک کرونای طبقاتی، فرصت می‌یابند تا با نقشه‌های ضد مردمی خود به درمان شرایط مرگ‌بار خویش برآیند. در چنین شرایط بحرانی باید

به دسیسه‌های رژیم از جمله امکان دست یازیدن به «شوکت‌تراپی» حکومت و طبقه در حال فروپاشی اندیشید. باید برای فردای پسا کرونا آماد شد و میلیون‌ها گرسنه، کارگران و بیکاران و میلیون‌های معترض خشمگین فوران خواهند کرد. سازمانیابی نهادهای خودمدیریتی خبر رسانی و آگاهی بخش برای جلوگیری از اقدامات مسموم مذهبی، خرافات و جعلیات و در برابر خبرهای دروغین حکومت مذهبی و طب اسلامی‌اش برآمد. سازمانیابی شوراهای کمک رسانی، پخش مواد ضد عفونی و بهداشتی و پاکیزه‌سازی. سازمانیابی

گلوبالیزاسیون و جهان سوز سرمایه از آغاز پیدایش خود تا کنون به جامعه و زیست و بوم جهان بوده است و زمینه ساز فاجعه‌ی پاندمی کووید-۱۹. بورژوازی در این فاجعه جهانی نیز، به سود حداکثر و استثمار حداکثر می‌اندیشد و فاجعه می‌آفریند. پنهان‌کاری حکومت‌ها از چین تا آمریکا و حکومت اسلامی ایران و به صورتی جنایت‌بارتر در ایران، به قیمت جان انسان‌هایی تمام شد و می‌شود که می‌توانستند امروز در کنار عزیزان خود باشند و این جنایت علیه بشریت بود.

با کاهش بهای نفت از بشکه‌ای ۷۰ دلار که بودجه سال ۱۳۹۹ بر آن نهاده شده بود، به زیر ۱۵ دلار، با کاهش مالیات‌ها یعنی دومین سرچشمه‌ی تامین بودجه‌های حکومتی و بیکاری میلیونی، با فسادهای مالی و ورشکستگی مالی، ابعاد فاجعه، همانند آتشفانی در حال فوران است. روز ۱۹ فروردین (۷ آوریل) رژیم ۷۱ «صنف» یعنی نزدیک به تمامی رشته‌های تولیدی و خدماتی را تعطیل اعلام کرد و این به دستور «ستاد ملی کرونا» که ستاد نظامی در بردارنده‌ی فرمانده کلیه نیروهای مسلح سپاه



و ارتش (سرپاسدار باقری)، حسن روحانی و... پیداست که زیر فرمان خامنه‌ای به‌شمار می‌آید به ورشکستگی و بیکاری صدها هزار نفره می‌انجامد. سال «جهش تولیدی» با وعده و وعیدهای توخالی مبنی بر پرداخت «یارانه» و «بسته‌های حمایتی» دروغین، و دروغ‌های چندش‌آور حکومت اسلامی در ایران، دهن‌کجی به میلیون‌ها انسانی است که در زیر آوار سنگین هجوم‌های طبقاتی و کرونای طبقاتی، دست و پا می‌زنند و در مرگ خود و عزیزان خویش به سوگ نشسته‌اند. تشکل‌هایی همانند پزشکان بدون مرز و یا در شمار سازمان بهداشت

بیماری، مرز و طبقه را نمی‌شناسد، برعکس، ویروس کرونا مانند هر عامل بیماری‌زای دیگری دارای مرز و دقیقاً طبقاتی است. پی‌آمد بیکاری، استثمار شدید، استرس و دلهره، به گرسنگی نشانیدن طبقه کارگر و تهی‌دستان جامعه که بورژوازی با فریب، نام «ریاضت اقتصادی» به آن نهاده، بیماری‌های زمینه‌ای مانند کاهش نیروی ایمنی و دفاعی بدن، فقر غذایی، کمبود ویتامین‌ها و سوء تغذیه (نرسیدن غذای کافی، انرژی و کالری‌های لازم برای سلامتی، ویتامین‌ها و آهن و روی و دیگر مواد شیمیایی و...)، خستگی، بی‌خوابی نتیجه کارهای سخت و زیاد و توانفرسا و... آسیب‌پذیری را بالا می‌برد و زمینه ساز مرگ‌آفرینی هر بیماری و به ویژه کرونا می‌باشند که به آسانی بر طبقه زیر استثمار و تنگدستان جامعه طبقاتی هجومی مرگ‌زا می‌آورد.

کووید-۱۹ در یک جامعه طبقاتی به هم‌ی آسیب‌پذیری که دارای شرایط یکسان با فرادستان نیستند، طبقاتی برخورد می‌کند و مرزهای طبقاتی را می‌شناسد. فرودستان و طبقه کارگر در این شرایط، بی‌دفاع و خلع سلاح شده در معرض هر هجوم مرگباری‌اند. کودکان کار در ایران که شمار آنان به میلیون‌ها می‌رسد، با ۲۴ میلیون حاشیه‌نشین و طبقه کارگر افزون بر چهل میلیون با خانواده که دستمزدهای پرداخت نشده ماه‌های پیش را ملاخور شده می‌بیند، با میلیون‌ها بیکار و ویران‌خوردار از پشتیبانی‌های بیمه‌ای، درمانی، پزشکی و آزمایشگاهی و تشخیصی و پیشگیری‌کننده، هزاران بار آسیب‌پذیرتر از فرادستان طبقاتی خویش هستند. در ایران با حاکمیت اسلام سیاسی و طبقاتی و باندهای دلال، تست‌های تشخیصی گران‌قیمت و مطمئن، پزشکان متخصص در خدمت خویش، قرنطینه شخصی، بیمارستان‌های خصوصی و کارآترین داروها، بستری شدن در ویلاهایی که به صورت یک بیمارستان مجهز شخصی و با مجهزترین دستگاه‌ها بدون دلهره از نبود امکانات مالی و پزشکی و درمان و بیکاری و گرسنگی، با برخورداری از انرژی و توان دفاعی بدن بالا، آشکار است که در این دنیای طبقاتی، «یک با یک برابر نیست». در این جهان طبقاتی، علم و دانش در انحصار و در استثمار سرمایه‌داران است. پنهان‌کاری در اطلاع‌رسانی و انحصار و مخفی‌سازی آگاهی‌های علمی، از ساختن واکسن، دارو، تست‌های تشخیصی و دیگر ضروریات درمانی و بهداشتی همه و همه با سود و درآمد حداکثر سنجیده می‌شوند. نئولیبرالیسم این رویکرد سرمایه به سوی سرمایه مالی با خصوصی‌سازی‌ها، مرگ‌بارترین هجوم

دکتر احمد عزیز پور

درباره بیماری ۱۹-CoVid



بیماری میسر کرد. در حدود ۳۴ درصد مبتلایان به این بیماری جانباختند.

ویروس کورونای جدید شباهت زیادی به ویروس عامل بیماری سارس (SARS) دارد، که تاکنون نزد تعدادی پستاندار یافت شده است و چون ویروس کورونای جدید قرابت ژنتیکی بسیاری با ویروس عامل بیماری سارس که نزد خفاش یافت شده است، دارد. ویروس کورونای جدید از جانب سازمان بهداشت جهانی به اسم SARS-CoV-2 نام گذاری شده است. ویروس جدید دارای کد ژنتیکی از نوع RNA می باشد که مزیت قابل توجهی برای ویروس از جهت سرعت تغییر می باشد. با توجه به این که این ویروس دستگاه تنفسی انسان را گرفتار می کند، ویروس تنفسی نیز نامیده میشود. در خصوص چگونگی انتقال این ویروس به انسان تا کنون نظر واحدی وجود ندارد، اما تصور میشود که مورچه خوار فلس دار که چوشت آن در چین مصرف خوراکی دارد، عامل انتقال این ویروس به انسان بوده است. ویروس به احتمال زیاد ابتدا از خفاش به این حیوان منتقل شده و در بازار حیوانات شهر ووهان (Wuhan) به انسان انتقال یافته است.

چگونه به ویروس کورونا آلوده می شویم؟

ویروس کورونای جدید از طریق قطرات آلوده ای که پس از سرفه و عطسه از دهان شخص بیمار خارج می شود، یا از طریق تماس مستقیم با فرد آلوده به ویروس و یا به وسیله دست های که در تماس با اشیاء و سطوحی که ویروس بر روی آنها نشسته، آلوده شده اند و تماس این دست ها با مخاط دهان، بینی و چشم وارد مجاری تنفسی میشود. در آن جا ویروس، سلول های مجاری تنفسی را مورد حمله قرار داده و از آنها چون کارخانه ای برای تولید انبوه خود استفاده می کند. این ویروس های تازه تولید شده، از سلول های مخاط گرفتار شده ی راه های تنفسی آزاد شده و وارد ترشحات مخاطی که قاعدتاً سلول های مخاطی را محافظت می نمایند، می شوند. سرفه و عطسه مکانیسم های دفاعی ای هستند که بدن برای بیرون راندن عناصر خارجی از جمله ویروس ها انجام می دهد. ویروس ها از این مکانیسم دفاعی استفاده کرده و همراه با قطرات ترشحات مجاری تنفسی به بیرون پرتاب شده و به این ترتیب به اشخاص دیگر منتقل می گردند. لازم به یاد آوری است که ویروس کورونای جدید نمی تواند از پوست سالم وارد بدن شود،

در تاریخ ۹ دیماه ۱۳۸۹ دکتر لی وین لیانگ (Li Wen Liang)، تلاش کرد در مورد ویروس کورونای جدید هشدار دهد. ایشان طی پیامی که به دوستان قدیمی اش در دانشگاه ارسال داشته بود، توضیح دادند که هفت بیمار را که علائم شبیه بیماری سارس (Severe acute respiratory syndrome)، داشته اند، معالجه کرده است. او گفت که می خواسته، که به خاطر دوستان قدیمی اش بیاورد که مواظب باشند. ایشان ابتدا به اتهام پخش شایعات نادرست که نظم جامعه را بر هم میزند، از جانب پلیس تهدید و به ایشان هشدار داده شد که در صورتی که به پخش این شایعات ادامه دهد، اقدامات قانونی در موردشان اعمال خواهد شد. ایشان از طریق بیماری که علائم Covid-19 را نداشت، اما ناقل ویروس بود، به ویروس کورونای جدید آلوده شدند. بعد از دوران نهفتگی بیماری، علائم بیماری در دکتر لی ظاهر شدند و ایشان مجبور شد روز ۲۲ دیماه ۱۳۸۹ به بیمارستان مراجعه نماید. وضع سلامت، حال عمومی و تنفسی ایشان به سرعت رو به وخامت نهاد. به بخش مراقبت های ویژه منتقل شدند، اما متأسفانه اقدامات انجام شده برای نجات ایشان موثر نیفتاد و روز ۲۶ دیماه به دلیل شدت ضایعات ناشی از این بیماری جانباخت. ایشان بعد از مرگ قلب قهرمان گرفتند.

ویروس کورونای جدید

تعداد زیادی ویروس که به گروه ویروس های کورونا تعلق دارند، وجود دارند. اکثریت این ویروس ها در بدن انواع مختلف حیوانات وجود دارند و فقط تعداد اندکی از این گروه ویروس ها در انسان ایجاد بیماری می نمایند. امروزه هفت نوع ویروس کورونا شناخته شده اند که می توانند انسان را آلوده و ایجاد بیماری نمایند. چهار نوع از این ویروس ها در انسان سبب سرماخوردگی می شوند. ویروس های کورونای سارس SARS و میسر MERS بیماری های جدی تر و سخت تری ایجاد می نمایند. SARS در سال ۲۰۰۳ در چین ۸۱۰۰ نفر را گرفتار کرد، که تقریباً ۱۰ درصد مبتلایان یعنی ۷۷۴ نفر از آنها جانباختند. این ویروس از خفاش به نوعی گربه که گوشتش در چین مصرف خوراکی دارد، منتقل شده و از طریق این حیوان به انسان سرایت کرد. ویروس MERS از خفاش به شتر و از طریق این حیوان به انسان انتقال می یابد. این ویروس در سال ۲۰۱۲ نزدیک به ۵ هزار نفر را در عربستان سعودی آلوده و گرفتار

انجمن های خودیاری و نیافتادن در دام ان جی آهایی (NGO,s) که پنهانی پیش از آنکه غیردولتی باشند، دولتی هستند، تجربه ای است برای خودگردانی شورایی. بنیادهای خیریه، چشم داشتن به «یارانه های» حکومتی که جز تحقیر و خوار شماری طبقه کارگر و تهی استان شهر و روستا که آفرینندگان اصلی در آمد جامعه هستند که به دست طبقه حاکمه و حکومت اش ریوده می شود، و نیز سازمان های جهانی فرادولتی که در واقع دولتی اند، را باید به سان ابزارهای فریب به شمار آورد و بر ارگان های خودسازمان یافته مردمی تکیه کرد. باید در برابر تهدید اخیر هلال احمر حکومت مبنی بر ثبت ارگانهای مردمی و تهدیدهای استناداری ها و نیروهای سرکوب را مردود اعلام کرد و به سوی هرچه گسترده تر سازمانیابی مردمی تلاش ورزید. برای خیزش سرنوشت ساز پسا کرونا آماده می شویم.

۱۹ فروردین ماه ۷/۹۹ آوریل ۲۰۲۰

زیر نویس ها:

- ۱- SARS= Severe Acute Respiratory Syndrome
- ۲- MERS= Meadle East Respiratory Syndrom
- ۳- <http://www.baharnews.ir/news/۱۹۳۶۰۱> جدول-بودجه-سال-۹۹-نهادهای-مذهبی-بهار نیوز
- ۴- INGO= International Non Governmental Organizations
- ۵- <https://www.irna.ir/news/۸۳۷۰۸۳۸۱> جمهوری اسلامی ۲۰ اسفند ۱۳۹۸
- ۶- NGO,s = Non Governmental Organizations

چگونگی تشخیص

یکی از روش‌هایی که معمولاً برای تشخیص افراد آلوده به ویروس کورونا استفاده میشود، آزمایش PCR (polymerase chain reaction) می‌باشد. این آزمایش معمولاً با برداشتن نمونه از مجاری تنفسی انجام می‌شود. انجام این کار مستلزم این است که آزمایش کننده به امکانات حفاظتی از جمله ماسک تنفسی مسلح باشد.

روش دیگری که برای تشخیص ممکن است به کار آید، جدا کردن ویروس از سرم بیمار می‌باشد. در بیماران مبتلا به CoVid-19 در مواردی، بویژه آنها که بیماریشان شدت بیشتری دارد، کاهش تعداد لنفوسیت‌ها ملاحظه میشود. بالاخره در تعدادی از این بیماران آنزیم‌های کبدی در سطحی بالاتر از طبیعی قرار دارند. در سرم بیمارانی که از این بیماری بهبود یافته اند، پادتن ویروس یا Antibody وجود دارد.

رادیولوژی

عکس معمولی ریه میتواند کاملاً طبیعی باشد، یا تغییرات غیر اختصاصی نشان دهد، اما در CT (Computer Tomography) تغییرات متعدد و دو طرفه به طور معمول مشاهده می‌شود. با توجه به اینکه عکس برداری، نوع معاجه بیماران را تغییر نمی‌دهد و در ضمن برای جلوگیری از آلودگی سالن‌ها و بخش‌های دیگر بیمارستان لازم است از انتقال بیمار خودداری شود و بالاخره با توجه به علائم ویژه‌ی بیماری و شرایط پاندمی، پزشکان به آسانی بیماری را تشخیص می‌دهند، انجام عکسبرداری از ریه‌ها ضروری نیست.

راه‌های پیشگیری از آلودگی به ویروس

ویروس‌ها همراه با قطراتی که همراه به سرفه و عطسه از دهان بیمار آلوده به این ویروس خارج می‌شود، در هوا پراکنده شده و با قرار گرفتن در نزدیکی چنین شخصی ممکن است به ویروس آلوده شوید. در خصوص استفاده از ماسک نظرات مختلفی بیان می‌شود. ماسک‌های معمولی از ورود ویروس نمی‌توانند جلوگیری کنند، اما اگر به مدت کوتاه از یک ماسک استفاده شده و یا ماسک دیگری تعویض گردد، به کار بردن حتی چنین ماسک‌هایی خالی از فایده نیست، به شرطی که به شیوه صحیح استفاده شود، یعنی دست‌ها قبل از استفاده کردن از آنها به دقت با آب گرم و صابون شسته شوند و هم چنین نوار فلزی ماسک روی بینی محکم فشار داده شود و تا موقعی که ماسک بر روی دهان و بینی و چانه شخص

چرا این ویروس با چنین سرعتی گسترش یافته است؟

هر شخص آلوده به ویروس کورونا می‌تواند ویروس را به سه نفر دیگر منتقل نماید. این سه نفر ویروس را به ۹ نفر و این افراد به ۲۷ نفر و این‌ها به ۸۱ نفر و این ترتیب رقم مبتلایان بسیار سریع بالا می‌رود. از طرف دیگر هیچ مصونیتی در مقابل این ویروس وجود ندارد، بنابراین ویروس بدون مانع منتشر شده و مردم را گرفتار می‌کند. بعلاوه هیچ واکسنی برای پیشگیری در دسترس نیست و ما نمی‌توانیم آنها را که آلودگی به ویروس و ابتلا به بیماری ممکن است جانشان را تهدید کند واکسینه‌نمائیم. بالاخره هیچ درمان اختصاصی برای معالجه مبتلایان به بیماری موجود نیست و این نیز مسئله را پیچیده‌تر کرده است. در این مورد که آیا افراد آلوده به ویروس در دوره کمون میتوانند ویروس را به دیگران منتقل نمایند، نظر قطعی وجود ندارد، اما بیماران بهبود یافته از CoVid-19 تا ۴۸ ساعت پس از بهبودی میتوانند ویروس را به افراد دیگر منتقل کنند. در خصوص بیمارانی که هیچ علائمی ندارند، اما قطعاً ناقل ویروس هستند نیز تا کنون معلوم نیست که آیا ویروس را به افراد دیگر منتقل می‌کنند یا خیر. اگر چه تا کنون واکسنی برای پیشگیری از این بیماری و درمانی برای معالجه آن یافت نشده است، اما در این عرصه‌ها تلاش‌های جدی در جریان است و هیچ دلیلی وجود ندارد که در تولید واکسن و درمان برای پیشگیری و معالجه این بیماری شک کنیم.

نقش گروه خون

بر اساس تحقیقاتی که در چین بعمل آمده، افراد با گروه خونی A حساسیت بیشتری به ویروس کورونای جدید دارند، بیشتر به این ویروس آلوده شده و در مقایسه با گروه‌های خونی دیگر، بیشتر به بیماری CoVid-19 مبتلا شده و در این صورت از افرادی که دارای گروه‌های خونی دیگری می‌باشند، بیشتر از بیماری تلف میشوند. گروه خونی O بر عکس وضع بهتری داشتند، آنها به آسانی آلوده نشدند و در صورت آلوده شدن راحت‌تر از بیماری نجات یافتند. بر اساس این تحقیق افراد با گروه خونی A احتیاج به محافظت بیشتر برای جلوگیری از آلودگی به ویروس دارند و در صورت آلوده شدن نیاز به درمان و مراقبت شدیدتری دارند. طبعاً نتیجه قطعی در مورد یافته‌های تحقیق فوق نیاز به تحقیقات بیشتری دارد.

بلکه دست‌های آلوده به ویروس در تماس با مخاط دهان، بینی و چشم، ویروس را به این مخاط‌ها منتقل می‌کنند. ویروس به راحتی در سلول‌های مخاط مجاری تنفسی نفوذ کرده و در آنجا تکثیر می‌گردد و به این ترتیب شخص را گرفتار بیماری CoVid-19 می‌نمایند.

علائم بیماری:

اکثریت مبتلایان، تقریباً ۸۰٪ در صد بیماران یا هیچ علائمی ندارند یا نشانه‌های خفیف سرماخوردگی پیدا می‌کنند. در حدود ۱۵٪ در صد بیماران گرفتار عفونت شدیدتری در مجاری تنفسی فوقانی میشوند و ممکن است نیاز به مراقبت پزشکی داشته باشند. در تعداد ۴ تا ۵٪ در صد بیماران علائم به حدی شدید هستند که نیاز به درمان و مراقبت پزشکی دارند و در مواردی بیماران بایستی در بخش مراقبت‌های ویژه ICU بستری شوند. سردرد، احساس بیماری، تب، درد عضلات و مفاصل، خستگی، بی‌اشتهایی، درد گلو و بویژه تنگی نفس و احساس خفگی و نیز در مواردی اسهال و استفراغ علائم مختلف این بیماری می‌باشند. اصلی‌ترین علامت به علت گرفتاری سیستم تنفسی می‌باشد که خود به دلیل التهاب و عفونت شدید ریه‌ها می‌باشد. در این حالت ریه‌ها از تامین اکسیژن مورد نیاز بدن ناتوان بوده و بیمار نیاز به جبران اکسیژن از طریق ماسک و در موارد شدیدتر به وسیله Ventilator دارد. در این حالت بیمار دچار سندرم نارسایی حاد تنفسی شده که با افزایش سرعت تنفس، پائین آمدن غلظت اکسیژن خون، بی‌قراری شدید و احساس خفگی همراه است. در مواردی علاوه بر ریه‌ها ارگان‌های دیگری چون کلیه‌ها گرفتار نارسایی می‌گردند. جوانان بیماری را بهتر تحمل میکنند. افراد مسن و آن‌ها که گرفتار بیماری‌های مزمن، چون بیماری‌های قلب و عروق، بیماری انسداد مزمن ریوی (به علت مصرف طولانی سیگار)، دیابت، بالا بودن فشار خون و بالا بودن وزن بدن (چاقی) می‌باشند، بیشتر از آلودگی به این ویروس و ابتلا به بیماری CoVid-19 گرفتار علائم و عوارض شدید شده و میزان مرگ و میر نیز در آنها به مراتب بالا تر است. هم‌چنین بیمارانی که به علل بیماری‌های مختلف، ناچارند درمان‌هایی به کار برند که سیستم ایمنی آنها را ضعیف می‌نماید، استعداد و حساسیت بیشتری برای ابتلا به بیماری‌های عفونی از جمله ویروس کورونا از افراد دیگر دارند و در صورت ابتلا، بیماری در آنها شدیدتر بوده و از امکان مرگ و میر بالاتری برخوردار می‌باشند.

در تحقیقات مختلف، آزمایش شده اند. یکی از این درمان ها Remdesivir می باشد که برای معالجه ابولا مصرف می شد، اما چندان موثر نبود. این درمان به صورت تزریق وریدی مصرف می شود. تحقیقات مختلف در مورد تاثیر این دارو در حال انجام است، گزارشی از چین از تاثیر مثبت آن حکایت دارد. داروی دیگری که برای معالجه ی مبتلایان به CoVid-19 به کار میرود و تاثیر مثبت نیز داشته است، درمان ضد مالاریا به نام هیدروکسی کلوروکین می باشد، قبلا توصیه میشد که همراه با یک نوع آنتی بیوتیک به نام آزیترومایسین مصرف گردد، اما تجربه پزشکان در اسپانیا حکایت از افزایش عارضه ی قلبی درمان دارد و بنابراین توصیه می شود که از به کاربردن آنتی بیوتیک فوق با کلوروکین خودداری شود. بیمارانی که در بخش مراقبت های ویژه بستری هستند و از ونتی لاتور برای تامین اکسیژن استفاده میکنند، در معرض انواع عفونت های ثانوی باکتریایی هستند، بنابراین توصیه میشود که بیماران بخش ICU، برای پیشگیری از عفونت ثانوی باکتریایی همزمان، یک آنتی بیوتیک وسیع الطیف به رژیم درمانی آنها اضافه شود. آزمایشات به عمل آمده از بیمارانی که حالشان رو به وخامت می رود، نشان میدهد که CRP و Interlukin-6 آنها، بسیار بالا رفته اند، به این دلیل در بعضی از بیمارستان ها در اسپانیا مشغول به کار بردن درمانی هستند که انترلوکین 6، را مسدود می کند. هیچ کدام از درمان های یاد شده درمان اختصاصی برای این بیماری نمی باشند، بنابراین تمام تلاش ما بایستی بر پیشگیری از بیماری متمرکز گردد.

توضیح: برای تهیه این مطلب از نشریات پزشکی بهره گرفته شده است.



شستن دست ها با آب گرم و صابون چندین بار در روز به مدت ۲۰ تا ۳۰ ثانیه، قبل از هر وعده غذا، بعد از رفتن به توالت و قبل از آغاز تهیه ی غذا، یکی از اقدامات بسیار موثر برای پیشگیری میباشد. دستانتان را با دستمال یکبار مصرف خشک کنید. موقع سرفه و عطسه کردن از دستمال یکبار مصرف استفاده کرده و دستمال را در سطل آشغالی که در دارد قرار دهید یا در آرنج خودتان عطسه یا سرفه کنید. در شرایط فعلی که ویروس در چهار گوشه ی جهان انتشار یافته است و صدها هزار نفر از مردم ایران به این ویروس آلوده شده اند و روزانه صدها نفر از بیماران جانشان را بر اثر ابتلا به این بیماری از دست میدهند و مقامات جمهوری اسلامی با انتشار ارقام نادرست در مورد تعداد مبتلایان و جانباخته گان میخواهند ابعاد فاجعه را پنهان نگه دارند و با اتخاذ و اعمال سیاست های جنایتکارانه در رابطه با ویروس کورونا عملا موجب گسترش آن در سراسر ایران شده اند، بهترین کار این است که مردم در خانه های خود بمانند و فقط در موارد بسیار ضروری از خانه هایشان خارج شوند.

درمان

درمان اختصاصی برای معالجه این بیماری وجود ندارد، اما انواع درمان های ضد ویروسی

قرار گرفته است، بایستی از تماس دست ها با ماسک خودداری شود، و نظر به اینکه تحقیق نشان داده است که اکثریت افراد ۲۶ بار در ساعت به صورت خود دست می زنند، مفید بودن استفاده از ماسک به ویژه به منظور پیشگیری از آلودگی کاملاً معلوم نیست، اما در هر حال از گسترش قطراتی که از دهان افراد خارج میشود و ممکن است بعضی از این افراد آلوده به ویروس با، یا بدون هیچ علامتی باشند مفید می باشد. اما در بیماران آلوده به ویروس کورونا با به کار بردن ماسک در موقع سرفه و عطسه از پراکنده شدن مقداری از ترشحات جلوگیری میشود و این در کاهش انتشار ویروس موثر می باشد. ماسک های خانگی، در صورتیکه با پارچه های ضخیم دوخته شوند، سبب اشکال در تنفس و حبس اکسید کربن میشوند، که برای بیماران مبتلا به بالا بودن فشار خون و بیماری های قلبی عروقی خطرناک می باشد. ماسک های دفع کننده مایع، غالباً برای حفاظت و جلوگیری از آلوده شدن پرسنل پزشکی به ویروس به کار می روند، که اگر همراه با عینک محافظت کننده و صفحه ی محافظت کننده ی صورت (Visor) بکار روند، بسیار موثر می باشند. در شرایطی که احتمال انتشار ویروس و بنابراین گرفتار شدن به بیماری بالاست، استفاده از ماسک های ویژه به نام ماسک های تنفسی که مخصوص پرسنل پزشکی است، ضروری می باشد. ماسک ها بر این اساس که چه مقدار از وارد شدن ذرات به بدن شخص جلوگیری می کنند به سه دسته FFP1, FFP2 و FFP3 تقسیم میشوند که به ترتیب از ورود ۸۰ درصد، ۹۵ درصد و ۹۹ درصد ذرات جلوگیری می کنند.

تلویزیون کومه له

www.tvkomala.com



کومه له

www.komalah.org



حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



از سایت های حزب

کمونیست ایران و

کومه له دیدن کنید!

آدرس های

حزب کمونیست ایران

و کومه له

نماینده گی کومه له در خارج کشور

K.K. P.O.Box75026
750 26 Uppsala - Sweden
Fax: 004686030981
representation@komalah.org
Tel: 0046 8 6030981

کمیته خارج کشور

0046-707 254 016
kkh@cpiran.org

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I. Box 2018
127 02 Skärholmen
SWEDEN
dabirxane.cpi@gmail.com

ایران به دوره قبل از بحران کرونا باز نخواهد گشت!

است. بحران کرونا در ادامه نمایش انتخاباتی مجلس که مکانیسمی بود برای متمرکز تر کردن بیشتر قدرت در دست سپاه پاسداران و حقله بیت رهبری، بحران و کشمکش های درون ساختار حاکمیت را تشدید کرده است.

مهمتر از همه اینها با آغاز بحران کرونا اعتراضات و اعتصابات کارگری و توده ای نه تنها قطع نشده بلکه بی وقفه ادامه داشته اند. ما در همین دوره دو ماهه شاهد ده ها اعتصاب و اعتراض کارگری در معادن و مراکز مختلف تولیدی و خدماتی بوده ایم. کارگران در جریان این اعتراضات خواهان تعطیلی کارخانه و در مراکزی که تولید ضروری بوده خواهان کاهش ساعات کار با پراخت کامل حقوق و مزایا و تأمین امکانات لازم برای پیشگیری از شیوع ویروس کرونا بوده اند. در همین دوره اعتراضات خانواده زندانیان سیاسی و حمایت افکار عمومی از آنها برای آزادی زندانیان در بند ادامه داشته است. در ده روز اخیر زندان های جمهوری اسلامی به کانون اعتراضات و شورش زندانیان علیه شرایط غیر قابل تحمل و غیر انسانی زندان ها و هراس آنان از خطر ابتلا به ویروس کرونا تبدیل شدند. در برخی از شهرها و روستاهای ایران و بویژه در کردستان جوانان پرشور و انسانهای مبارز با ایجاد کمیته های محلات و بکار گرفتن ابتکارات متعدد به ایجاد همبستگی در میان مردم و یاری رساندن به آنها در مقابله با بحران کرونا شتافته اند.

بدون تردید بحران کرونا مهار خواهد شد و نوبت رهایی از شر کرونای جمهوری اسلامی هم فرا خواهد رسید. در دوره بحران کرونا بحران ها و در ماندگی های جمهوری اسلامی تشدید خواهند شد. ایران به دوره قبل از بحران کرونا بر نخواهد گشت. موقعیت جمهوری اسلامی شکننده تر می شود، نباید گذشت جمهوری اسلامی بر سرمان ویران شود. باید کمیته ها، شوراهای کارگری و توده ای را در کارخانه ها و مؤسسات خدماتی و محلات شهرها ایجاد کنیم. این نهادها در شرایط کنونی می توانند به عنوان ارگان رهبری اعتراضات نقش ایفا کنند و در فردای سرنگونی رژیم به مانند نهادهای حاکمیت کارگران و مردم زحمتکش وارد عمل شوند.

از خود گذشتگی پزشکان و پرستاران و کادر درمانی برای نجات جان بیماران نتوانسته چندان از ابعاد فاجعه بکاهد.

اگر چه جمهوری اسلامی مانند بسیار از موارد دیگر ممکن است، فاجعه شیوع کرونا را نعمتی الهی بداند تا با تکیه به آن خود را زیر فشار جنبش دادخواهی علیه کشتار سبعانه و بگیر و ببندی که در جریان خیزش آبان به راه انداخت، خشم و اعتراضی که بعد از کشتار مسافران هواپیمای اکرینی و دروغپردازی حول آن شعله بر کشید، و پیامدهای شکست مفتضحانه نمایش انتخاباتی مجلس نجات دهد، اما همه نشانه ها حاکی از آن است که کارگران و مردم ستمدیده ایران با عبور از بحران کرونا جامعه را از شر کرونای جمهوری اسلامی هم نجات خواهند داد.

بحران کرونا ضعف و درماندگی، فساد نهادینه شده و دروغگویی رژیم جمهوری اسلامی و ضدیت آن با مصالح عمومی مردم در مقابله با این نوع بحران ها را بیشتر نمایان ساخت. بحران کرونا بار دیگر به مردم ایران نشان داد که این رژیم پیگیری اهداف حقیر سیاسی خود را بر تلاش برای نجات جان مردم ترجیح می دهد. کرونا بحران ایدئولوژیک جمهوری اسلامی را عمیق تر کرد. اگر ایدئولوژی اسلام و خرافات مذهبی همواره یکی از ارکان حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی بوده و رژیم با تکیه به آن فرهنگ و اخلاقیات مردم را کنترل می کرد، اما با بحران کرونا بار دیگر مردم به تجربه دریافتند که نه تنها از دست امام زاده ها، امام جمعه ها و زیارتگاهها معجزه ای ساخته نیست، بلکه خود این مراکز مذهبی به کانون شیوع گسترده ویروس کرونا و مرگ و میر ناشی از آن تبدیل شدند. بحران کرونا و تنگنهایی که در نتیجه تحریم های اقتصادی در مقابله با کرونا به مردم ایران تحمیل شده نه تنها ماهیت ضد انسانی سیاست های آمریکا را بر ملا می کند، بلکه در همان حال نشان می دهد که سیاست های منطقه ای و بین المللی جمهوری اسلامی تا چه اندازه در تقابل با منافع و مصالح مردم ایران قرار دارد. بحران کرونا در شرایطی که جمهوری اسلامی حاضر نیست در بودجه انقباضی ۹۹ از هزینه های سنگین نظامی و نهادهای انتظامی و امنیتی بکاهد این رژیم را بیش از گذشته در معرض ورشکستگی مالی و فروپاشی اقتصادی قرار داده

بیش از دو ماه از شیوع ویروس کرونا در ایران می گذرد. شیوع گسترده و غیر قابل کنترل این ویروس و پیامدهای تکانی آن تمام ارکان جامعه را تحت تأثیر قرار داده است. ناکارائی ساختار طبقاتی، سیاسی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای پیشگیری از اشاعه سریع ویروس کرونا جامعه ایران را با یک فاجعه هولناک انسانی روبرو کرده است. سران رژیم جمهوری اسلامی از همان اوایل بهمن ماه عامدانه و با اهداف حقیر سیاسی حقایق مربوط به انتقال این ویروس به ایران و ابعاد شیوع آن را از مردم پنهان کردند. زمانی که خبر شیوع کرونا رسانه ای شد، مراجع رسمی حکومتی با رویکردی غیر عقلانی و ارتجاعی در برابر خواست عمومی قرنطینه قم و دیگر اماکن مذهبی برای جلوگیری از انتشار بیشتر ویروس مقاومت کردند. سران رژیم با این عملکرد ضد انسانی و جنایتکارانه خود کاری کردند که ایران به یکی از کانون های شیوع این ویروس در خاورمیانه و جهان تبدیل گردد و در مقایسه با تمام کشورهای جهان بیشترین شمار قربانیان را از مردم ایران بگیرد. در حالی که سران رژیم بعد از گذشت بیش از دو ماه از شیوع این ویروس هنوز هم با نگاه امنیتی به مسئله برخورد کرده و مانع اطلاع رسانی درست در مورد ابعاد واقعی شیوع و کشتار فاجعه بار ویروس کرونا هستند، دو محقق ایرانی در دانشگاه های "ویرجینیا" و "ام آی تی" آمریکا در یک بررسی علمی مبتنی بر "توسعه و تخمین مدلی دینامیکی از گسترش بیماری و تطبیق آن با داده های رسمی و غیررسمی" نتیجه گرفته اند که تعداد مبتلایان به کرونا در ایران تا اول فروردین می تواند ۹۰۰ هزار نفر و شمار جان باختگان ۱۵ هزار نفر باشد. قبلا سازمان بهداشت جهانی هم اعلام کرده بود که آمار واقعی مبتلایان به ویروس کرونا در ایران پنج برابر رقمی است که مقامات حکومتی اعلام می کنند. ضعف زیرساخت بهداشتی و درمانی به دلیل اولویت بندی های که جمهوری اسلامی در اختصاص بودجه طی چهار دهه گذشته داشته است، کمبود وسایل ایمنی برای کادر پزشکی و مواد و وسایل ضد عفونی کننده، کمبود شدید وسایل تشخیص بیماری، دارو و سایر امکانات لازم، کمبود دستگاههای اکسیژن رسانی و ... ابعاد فاجعه را چنان هولناک کرده که تلاش خستگی ناپذیر و

جمهوری اسلامی می خواهد از کرونا گذر کند، بدون آنکه هزینه ای برای آن بپردازد!

آیا جمهوری اسلامی پولی ندارد تا در این زمینه خرج کند؟ اولاً خود رژیم انکار نمی کند که دارای یکی از غنی ترین ذخیره های ارزی در منطقه است. صندوق بین المللی پول در گزارش سالانه خود اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران یکی از بالاترین ذخایر ارزی را در سطح منطقه دارد. این مبلغ به حدود ۱۰۰ میلیارد دلار تخمین زده می شود. علاوه بر آن ثروتی که در کنترل خامنه ای و سپاه پاسداران قرار دارد، سر به صدها میلیارد دلار می زند. اگر این ثروتهای کلان را که پول خون مردم این کشور است برای روز مبادا نگهداشته اند، چه روزی از این مبادا تر که جهان در آستانه فاجعه قرار گرفته است و ایران یکی از کانونهای خطرناک آن است؟ با کسری از این پولها می توان هزینه در خانه ماندن کارگران و مردم کم درآمد را تا هر زمان که ضروری باشد، تامین نمود.

وقتی رکن اصلی کار که عبارت است از تامین هزینه قرطینه و در خانه ماندن، کنار گذاشته می شود، آنچه که باقی می ماند، رفتار متناقض نهادهای دولتی، آشفتگی، دسته پاجگی، ناکارآمدی در بکار گرفتن همین امکانات موجود را به دنبال دارد. هم اکنون با این ازدحامی که در سطح شهر و کارگاهها و کارخانه ها بوجود آمده است، خطر موج جدید کرونا، تهران را تهدید می کند. از نظر کارشناسان، تهران نقش کلیدی ارتباطی با سایر استانها را دارد، هرگونه وجود و شیوع ویروس حتی در حد متوسط هم می تواند باعث انتشار به سایر شهرها و به ویژه شهرهای اطراف تهران شود.

بگذار جمهوری اسلامی اینگونه چند صباحی دیگر هم به حیات نکبت بار خود ادامه دهد و ثروتهای انباشته شده اش از زندگی مردم، در این روزگار سخت، دریغ کند. این روزها می گذرند و بدون شک کارگران و توده های مردم محروم و ستم دیده ایران، از آزمون مبارزه با کرونا، هشیارتر و آگاه تر از پیش بیرون می آیند، جمهوری اسلامی را از صحنه روزگار پاک خواهند کرد و قدم در راه بنا نهادن دنیای بهتر و زندگی انسانی تر، سرشار از آزادی و رفاه و برابری خواهند گذاشت.



است چون اگر به بیرون از خانه بیایم کرونا می گیریم و می میریم، اگر هم در خانه بمانیم از گرسنگی و بی پولی خواهیم مرد حاضرم بمیرم اما شرمند زن و بچه ام نباشم"

البته جمهوری اسلامی هم این واقعیت را بیش از همه می داند و چون نمی خواهد در این رابطه مسئولیتی بپذیرد، در یک رفتار متناقض، چراغ سبز را برای از سر گیری مراکز کسب و کار روشن می کند. روحانی هفته گذشته گفت:

"باید بدانیم صدمات اصلی اقتصادی کرونا متوجه اقشار ضعیف جامعه است و مردم از دولت انتظار دارند که اجازه ندهیم کرونا



سلامت و معیشت آنان را نابود کند." این اظهارات روحانی در حالی مطرح می شود که سعید نمکی، وزیر بهداشت، روز جمعه، از ابلاغ دستورالعمل بازگشایی کلیه مشاغل و مراکز کسب و کار از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت انتقاد کرده بود و در نامه ای به روحانی نوشت: «هرگونه تصمیم آتش به اختیار توسط هر دستگاه دولتی، غیردولتی، فرهنگی، مذهبی و غیره که مورد تایید نباشد، شعله هایش به سرعت دامن نظام سلامت و متعاقب آن اقتصاد کشور را خواهد گرفت.»

با وجود این گونه هشدارها و سخنان هفته گذشته خود وی، روحانی پایان سیاست فاصله گذاری اجتماعی را اعلام می کند و به جای آن "بی سیاستی"، فاصله گذاری هوشمند" را که حتی خودش هم نمی داند معنی عملی آن چیست، طرح می کند. روحانی دستور بازگشایی مشاغل و کسب و کار صادر می کند، زیرا نمی خواهد هزینه ای برای تعطیل آنها بپردازد. بدین ترتیب در واقع جمهوری اسلامی میخواهد هزینه گذر کردن از این مرحله را از جان مردم پرداخت کند.

با پایان تعطیلات نوروزی، از روز شنبه ۱۶ فروردین تهران و بسیاری از کلان شهرهای ایران، چهره قبل از بروز ویروس کرونا را به خود گرفتند. تصاویر انتشار یافته در شبکه های اجتماعی نشان میدهد که گوئی شهر تهران بر ویروس کرونا غلبه کرده است و اکنون پیروزی خود را در صحنه خیابانها جشن می گیرد. گفته می شود که میزان ترافیک روز شنبه در تهران در طول یک سال گذشته بی سابقه بوده و به ۴۳ کیلومتر رسیده است. چرا چنین شده است؟ آیا مردم دروغ های روحانی را که بیماری سیر نزولی یافته و کنترل شده است را باور کرده اند؟ آیا اقدامات و تدابیر جمهوری اسلامی

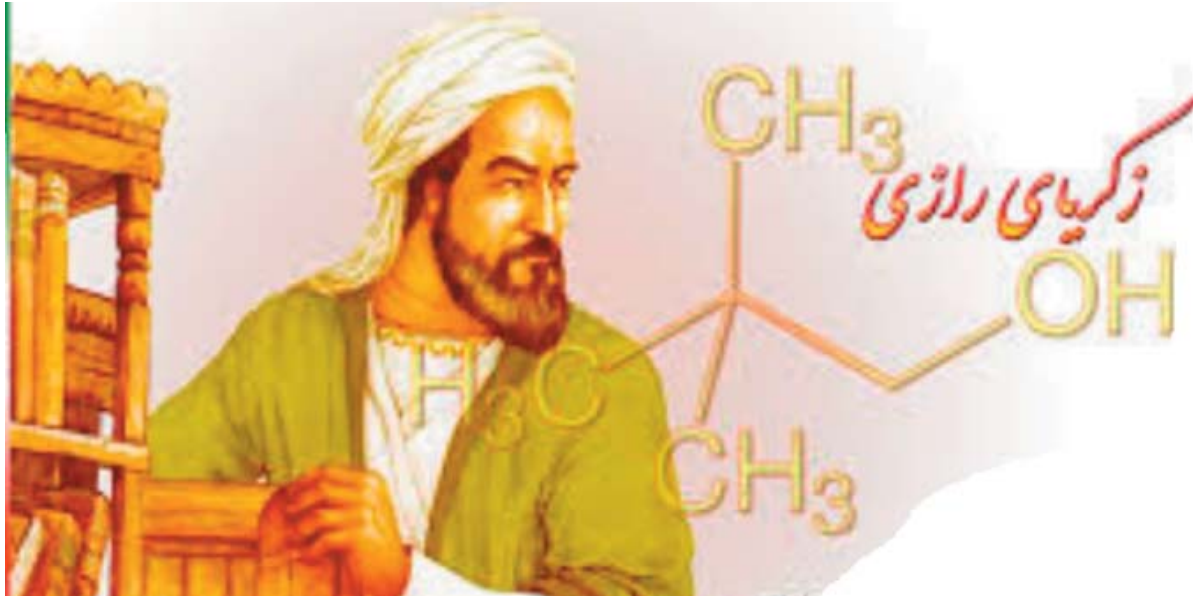
آنچنان موثر و کارآمد بوده اند، که اعتماد مردم را جلب کرده است و نگرانی ها بر طرف شده اند؟ آیا این مردم تصور میکنند نیروئی آسمانی لطف ویژه ای در حق آنان دارد و از اینگونه بلایا حفظ شان خواهد کرد؟ آیا از سر بی فرهنگی و بی اطلاعی به خیابانها سرازیر شده اند؟ مسلماً هیچکدام از اینها نیست. واقعیت تلخ پشت این

ماجرا چیز دیگری است. این مردم جان خود و خانواده شان را دوست دارند، عاشق زندگی هستند، اما تحمل گرسنگی کشیدن فرزندان و افراد خانواده شان را ندارند. نه ذخیره ای در انبار خانه دارند و نه پولی در جیب. کاسبکار تهیدست، دستفروش، کارگر، راننده، آنها که دستشان به هیچ منبع دولتی بند نیست همین دو هفته را هم به زحمت می توان در خانه نگهداشت.

روزنامه آفتاب یزد، در شماره روز شنبه خود گفتگویی را با یک کارگر چاپ کرده است، که حقیقت را به عریان ترین شکل بیان می کند: کار فرما دو پایش را در یک کفش کرده است که اگر سر کار حاضر نشوم اخراج خواهم شد! مسئولان وزارت بهداشت و استانداری می گویند کل شغل ها تا اردیبهشت تعطیل هستند. اما واقعیت این است که کارفرما ها این را نمی پذیرند. از روز ۱۳ فروردین با ما تماس گرفتند و گفتند اگر شانزدهم سر کار نبودی دیگر نیا! من همین حالا هم به سختی خرج زندگی ام را در می آورم چطور می توانم سر کارم نروم. این بازی برای من و امثال من دو سر سوخت

یادی از فیلسوف ماتریالیست، کاشف الکل و اسید سولفوریک

ابوبکر محمد فرزند زکریا رازی



عراق تقویت یافت.

فیلسوف محمد رازی باید با چنین فریبکاران و سیاستمداران نیرنگ بازی روبرو شود و با نگرش‌های مسموم کلینی‌ها به ستیز برخیزد. کلینی یا شیخ ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق رازی معروف به کلینیزاده سال ۲۴۹ ش (۸۷۰ م) از روستای کلین از روستاهای پیرامون تهران در ۳۸ کیلومتری شهر ری که اصول کافی از اوست و یا اصول شیعه‌گری خمینیسم بر آن مبنا گرفت، در همان زادگاه فیلسوف محمد رازی در برابر خویش یافت. هم‌قطار دیگر کلینی، جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (زاده ۳۰۶ - قم و درگذشته ۳۸۱ - شهر ری) که داستان جعلی امام زمان شیعیان را شایع کرد و از دیگر رهبران دینی شیعه، در ستیزی ایدئولوژیک با بینش و دانش محمد رازی به شمار می‌آمد. از کلینی تا خمینی ادامه خونبار کارزار دانش و فلسفه در برابر خرافه‌های دینی به هم بافته شده به وسیله این عناصر است. شیعه‌گری امروزی در ایران و لبنان و عراق ادامه همان ستیز تاریخی دانایی و نادانی است. مفاتیح‌الجنان مجموعه‌ای از دعاها، مناجات، زیارات، دستورهای مذهبی روزها و شب‌های سال است که به محمد و علی و فرزندان‌شان نسبت داده شده و بدین وسیله به هم بافته و آن شده تا به دست خمینی، مانیفست شیعه‌گری حکومت اسلامی گردد.

بنا به نوشتار ابوریحان بیرونی، رازی

با برخورداری از چنین زمینه و مبانی به هم بافته شده‌ای به وسیله‌ی خرد ستیزانی همانند کلینی‌ها دانست. دوران حاکمیت دیلمیان یا آل بویه (۹۳۲-۱۰۵۵ م)، به ویژه رکن‌الدوله از برداران سه گانه آل بویه با حکومتی ۱۲۵ ساله و چیرگی بر عباسیون، تا برآمد سلجوقیان (از اوغزهای ترک)، شیعه‌گری در ایران و به ویژه پرورش موجوداتی همانند کلینی‌ها و شیخ صدوق‌ها-این امامان خمینی- را پایه گذار شیعه و حکومت اسلامی دانست. دیلمیان در آغاز از شیعیان زیدی بودند، و بابرخورداری از زمینه اعتباری که جنبش‌های تهی‌دستان زیر پرچم زیدیان، علیه حاکمیت عباسیون به دست آورده و پس از چیرگی بر خلفای بغداد، به شیعه دوازده امامی گرایش یافتند. آل بویه از آنجا که «سید» یعنی از تبار پیامبر مسلمانان نبودند بنا به باور مذهب زیدی، باید امامی زیدی از تبار پیامبر را به امامت بر می‌گزیدند و پس از به قدرت رسانیدن این امام، با اطاعت کامل از وی، قدرت سیاسی را در دست می‌گرفتند و به آن مشروعیت که امام غایب همچنان غایب بماند. این تاکتیک سیاسی شاید در تاریخ اندیشه و علوم سیاسی، ماکیاول به کودکان می‌فرستد. از همین روی، رکن‌دوالدوله و برداران وی معزالدوله و عضدالدوله، از زیدی فاصله گرفته و برای رسیدن به حکومت، شیعه دوازده امامی شدند تا به بهانه اینکه منتظر امام غائب شیعیان هستند به حکومت خود دوام بخشند. از این روی شیعه‌گری با حکومت آل بویه در ایران و

جرج سارتن (George Sarte)، نویسنده و پایه گذار تاریخ علم، رازی را: «بزرگترین پزشک ایران و جهان اسلام در زمان سده‌های میانه» می‌نامد. محمد فرزند زکریا ۱۱۵۵ سال پیش در شهر «ری» زاده شد و از این روی به «رازی» شهرت یافت. دانشمند نامی، ابوریحان بیرونی (زاده ۹۷۳ میلادی) زادروز رازی را سپتامبر ۸۶۵ م و در گذشت وی را ۳۱ اکتبر ۹۲۵ م نگاشته است. در آن برهه، منافع سیاسی و رابطه‌ی برخی علمای شیعه با برخی از سلطان‌ها و وزرای وقت، سبب شد تا شیعیان در دربار و جامعه موقعیتی بهتر بیابند. در همین برهه، در دهه‌های پایانی (۷۵۰ میلادی یا ۱۳۰ قمری) حکومت امویان نخستین حکومت شیعی را برپا کردند که به ویژه ری همانند یک مرکزی دینی، نقش مهمی در تمرکز و تقویت مبادی و تبیین شیعه‌گری می‌یابد. در چنین شرایطی است که محمد زکریا رازی در مرکز خرافات و خرفه‌پراکنی همانند کلینی‌ها و شیخ صدوق‌ها به دانش و فلسفه زندگی می‌بخشد. شاید به راستی محمد رازی را نه تنها حکیم و دانشمندی فرزانه، بلکه یگانه فیلسوف ماتریالیست پس از تاریخ فلسفه یونان باستان در ایران دانست. وی در میان تاریکی‌های سده‌های نخستین سلطه اسلام و در شهری که مهمترین مرکز روحانیت شیعه بود به پاخواست. شرایط تاریخی این دانشمند جهانی را زمانی می‌توان دریافت که تاریخ آن برهه را مرور کرد. می‌توان برآمد دیلمیان به سان حاکمانی شیعی

که و به ماده نامیرا یا هیولی اولی ماده اولیه که هیچ کس آنرا نیافریده و به مکان مطلق، و زمان مطلق یا دهر باور فلسفی دارد. از همین روی وی را دهری مسلک می نامند.

در فرهنگ ۱۴ مجلدی دهخدا آمده است که: «ابن‌الندیم در کتاب «الفهرست» خود تعداد آثار رازی را یک صد و شصت و هفت و ابوریحان بیرونی در کتاب «فهرست کتب رازی» یک صد و هشتاد و چهار دانسته‌اند. کتاب‌های رازی برحسب فهرست بیرونی بدین ترتیب تقسیم موضوعی می‌شود: ۵۶ کتاب در طب، ۳۳ کتاب در طبیعیات، ۷ کتاب در منطق، ۱۰ کتاب در ریاضیات و نجوم، ۷ کتاب در تفسیر و تلخیص و اختصار کتب فلسفی یا طبی دیگران، ۱۷ کتاب در علوم فلسفی و تخمینی، ۶ کتاب در مافوق الطبیعه، ۱۴ کتاب در الهیات، ۲۲ کتاب در کیمیا، ۲ کتاب در کفریات، ۱۰ کتاب در فنون مختلف که جمعا بالغ بر یک صد و هشتاد و چهار مجلد می‌شود و ابن‌اصیبه در عیون الانباء فی طبقات الاطباء دویست و سی و هشت کتاب از برای رازی برمی‌شمارد.»

به سبب کینه توزی شریعتمداران و دشمنی اسلامیان با فلسفه و دانش و این فیلسوف بزرگ، آرامگاه فیلسوف جهانی ناشناخته مانده است، اما هرگز قادر نبوده‌اند نام و دستاوردهای رازی و دانش وی را نابود سازند. رازی در تاریخ ترین دوران‌ها درخشد و دانش پزشکی وی تا سده ۱۵ میلادی نخستین منابع پزشکی بودند و الکل که بدون آن گندزادی و مبارزه با میکرب‌ها و نجات بیماران و سرانجام زندگی ناشدنی بود. در روزهای کرونایی بار دیگر نام رازی به میان آمده است. نام این دانشمند ماتریالیست و این چهره‌ی ماندگار دنیای دانش و فلسفه را باید که گرامی داشت.



(اسید سولفوریک) و نفت سفید می‌شناسند. در زمینه داروسازی، و تغذیه و رژیم غذایی بیماران، وی از نخستین دانشمندان است. رازی اسید سولفوریک را با ترکیب مواد قلیایی و فلزات فراهم کرد و با داشتن اسید سولفوریک برخی اسیدهای دیگر ساخته شد. وی با ترکیب آب آک بر بر نشادور (کلرید آمونیوم)، اسید کلریدریک بدست آورد. و باترکیب سرکه با مس، «استات مس» یا زنگار فراهم آورد و به وسیله آن زخم را شستشو می‌داد. از سوزاندن زرنیخ، اکسید آرسنیک یا مرگ موش فراهم کرد و از لیمو و نارنج برای نخستین بار اسید سیتریک (جوهر لیمو) تهیه کرد. رازی برای درمان برخی بیماری‌ها، نخستین پزشکی است که داروهای سمی آکالوئیدی ساخت.

در زمینه فلسفه رازی، هرچند انکار خدا را به زبان نمی‌آورد، شاید در هراس از حاکمیت شریعت، اما معاد (روز رستاخیز و بازگشت)، وحی و نبوت (پیامبری محمد) را باور نداشت در دو کتاب «فی‌النبوات» و «فی‌حیل‌المتنبین» به نفی نبوت پرداخته است. وی پیش ارسطو و افلاطون را نیز که آلوده به ایدلیسم بود مردود می‌دانست و ماده را همیشگی و فنا ناپذیر می‌شمرد. این فیلسوف در افزون بر ۱۱ سده پیش، می‌گفت: آدمیان برای هدایت شدن به رهبران دینی نیاز ندارند، همه‌ی دین‌ها را زبان‌آور که سبب کینه و جنگ می‌شوند، اعلام کرد. رهبران دینی او را ملحد و کافر اعلام کرده و تکفیرش کردند. مهم‌ترین پرسش و برهان فلسفی رازی این است: «اگر خداوند خالق جهان است، چرا پیش از خلق جهان جهان را خلق نکرد؟»

رازی همانند هگل اما با فاصله‌ای نزدیک به هزار سال، به نفس کلی (ایده مطلق) باور دارد

در دوران دوران کودکی و نوجوانی و جوانی در ری درخشدن گرفت. در جوانی بربت (عود) می‌نواخت و شعر می‌سروده است. به آموختن شیمی پرداخت و به کیمیاگری روی آورد. برآن بود تا مس را طلا سازد. این اندیشه پایه‌ی علمی داشت. زیرا که هم‌اتم‌ها دارای ساختار بنیادینی دارند و تنها با کم و یا زیاد بودن الکترون‌ها و هسته نوترون و پروتونی نوع اتم تفاوت می‌یابد. به بیان ابوریحان بیرون، چشمان رازی در همین راه کیمیا و در نتیجه مواد شیمیایی به ویژه جیوه آسیب دیدند. در سال‌های بالا بود که به بغداد سفر کرد تا در دانشگاه آنجا، پزشکی بیاموزد. دانشگاه بغداد در آن دوران، جانشین دانشگاه جندی‌شاپور شده بود که به زودی رازی ریاست بیمارستان «معتضدی» را پس از مرگ معتضد، خلیفه عباسی، به عهده گرفت. سپس به ری بازگشت و به ریاست بیمارستان ری رسید و تا پایان عمر در این شهر به درمان بیماران پرداخت. نوشته‌اند که رازی در آخر عمر بینایی خود را به طور کامل از دست داد.

• رازی نخستین کسی است که پزشکی بالینی را برای تشخیص بیماری به کار گرفت و با بررسی نشانه‌ها و سیمپتوم‌های بیماری و آزمایشگاهی به درمان بیماران پرداخت. تفاوت بیماری آبله و سرخک را بیان کرد و تجربه‌های بسیاری برای تشخیص این بیماری‌ها به دست داد و دو کتاب سرخک و آبله را نوشت. آموزش و تجربه‌های رازی مهمترین منابع و کتاب‌های درسی در اروپای سده‌های میانه بود. آثار ماندگاری در دانش پزشکی و شیمی و فلسفه، منطق، کیهان‌شناسی و ریاضیات به یادگار مانده‌اند. ابوعلی سینا از او به بزرگی جایگاه دانش و فلسفه یاد کرده و بسیار از وی فراگرفته است. رازی را در دانش شیمی (کیمیا) کاشف الکل، جوهر گوگرد

جهان سرمایه داری و ویروس کرونا



شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
جلسه ای در کانال تلگرامی «گفتمان سوسیالیستی» برگزار می کند!

سخنرانان :

احمد موسوی (از سازمان فدائیان - اقلیت)
بهروز فراهانی (فعال جنبش کارگری - سوسیالیستی)

زمان: ساعت ۵ بعدازظهر روز یکشنبه ۱۲ آوریل



لینک کانال «گفتمان سوسیالیستی» در تلگرام

<https://t.me/joinchat/AAAAAFCNpoXOZTVjpv-r5Q>



روز جهانی بهداشت!



سه شنبه هفتم آوریل برابر با ۱۹ فروردین روز جهانی بهداشت و تندرستی است. در سال ۱۹۴۸، سازمان بهداشت جهانی اولین مجمع عمومی خود را برگزار کرد. این مجمع تصمیم گرفت که از سال ۱۹۵۰ به بعد، هفتم آوریل هر سال به عنوان روز جهانی بهداشت یا روز جهانی تندرستی نامگذاری شود.

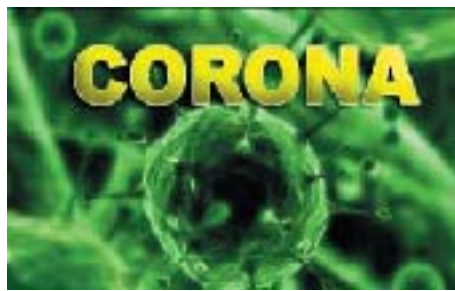
و هر ساله در این روز بیان امر بهداشت و تندرستی در جهان منتشر شود. این روزها به مناسبت شیوع بیماری کرونا در جهان، نام سازمان بهداشت جهانی به مناسبت رهنمودهای مفیدی که منتشر می کند، بیش از هر نهاد بین المللی دیگر بر سر زبانها است. شعار محوری این سازمان از بدو تاسیس "تندرستی برای همه در هر مکان" بود. با استناد به تازه ترین گزارش سالانه خود سازمان ملل متحد، ۷۰ سال پس از تاسیس این نهاد، هنوز نشانی از تحقق این شعار دیده نمی شود. امروز در جهان، دو میلیارد نفر به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند.

یک سوم مردم دنیا از توالت بهداشتی محرومند. ۹۰ درصد مردم در هوای آلوده تنفس می کنند. ۸۲۰ میلیون نفر از گرسنگی یا سوء تغذیه مزمن رنج می برند، که بویژه بر تندرستی کودکان تاثیر می گذارد. میلیونها انسان ناچار می شوند بین گرسنگی و بهداشت یکی را انتخاب کنند. ۱۰ درصد مردم مواد غذایی آبیاری شده با فاضلاب می خورند. سالی هفت میلیون نفر در اثر بیماری های مرتبط با هوای آلوده می میرند.

در این میان ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی یکی از بدترین کارنامه ها را در زمینه بهداشت دارد. این رژیم در جریان شیوع بیماری کرونا تا همین جا امتحان خود را پس داد و کسی در بی کفایتی و ناکارآمدی، در نامسنول بودن در مقابل تندرستی و جان شهروندان، در دروغگوئی و فریبکاری در این زمینه تردیدی ندارد. اما افزون بر این، سازمان بهداشت جهانی رتبه سلامت را در ایران، در میان ۱۹۲ کشور جهان ۱۲۳ تعیین کرده است. این ارزیابی مربوط به پیش از تحریمهای آمریکا و در دوره ای است که رژیم روزانه دو و نیم ملیون بشکه نفت با قیمت هر بشکه بیش از ۸۰ دلار صادر می کرد. علیرغم ثروتهای کلانی که در اختیار

داشته است، علیرغم استثمار شدید و غارت رنج و کار میلیونها کارگر و زحمتکش، تامین نیازهای تندرستی و بهداشتی مردم، هیچگاه اولویت این رژیم نبوده است. فروش بیمارستانها و واگذاری تولید و بازرگانی دارو و وسایل بهداشتی به بخش خصوصی، عملاً تندرستی و بهداشت مردم را به سودپرستیهای سرمایه داران سپرد و دسترسی به خدمات درمانی و بهداشتی را برای توده های کارگر و زحمتکش و اقشار کم در آمد روز به روز مشکل تر کرد. به دین گونه بود که بدحال ترین بیماران هم بدون پیش پرداخت به بیمارستان ها راه داده نمی شوند و در بیمارستان هایش جنازه مردگان را هم برای تسویه حساب گروگان می گیرند. این در حالی است که بیمه های اجتماعی در نازل ترین سطح خود قرار دارند. نزدیک به ۲۰ میلیون از جمعیت ایران زاغهنشین و حاشیه نشین هستند، این جمعیت عظیم از خدمات بیمه محرومند. در مورد بقیه هم ۶۰ درصد هزینه های درمانی را خود مردم باید پردازند.

بهداشت و درمان رایگان حق مسلم هر شهروندی است. هیچ کسی نباید بخاطر در دسترس نبودن دارو و خدمات پزشکی و درمانی زجر بکشد. این سرنوشت محتوم انسان نیست که همزمان نانش و درمانش و جانش را گروگان بگیرند و در نتیجه نبودن خدمات بهداشتی و درمانی بمیرد. جمهوری اسلامی که مسبب چنین شرایطی است، رژیم ناروایی است که به ضرب زور و سرکوب بر مردم این کشور حکومت می کند.



آفت کرونا که در مدت کوتاهی سرتاسر جهان را در نوردید بیش از همیشه بر ضرورت تحقق شعار: "تندرستی برای همه در هر مکان"، تاکید می کند. این واقعیت که تندرستی ساکنان کره زمین در عصر ما که جهان به دهکده کوچکی

تبدیل شده است، به هم گره خورده است، با گسترش اپیدمی کرونا، به یک حقیقت عریان تبدیل شد. اما چرا پس از گذشت ۷۰ سال از تاسیس سازمان بهداشت جهانی، بشریت همچنان از تحقق این شعار این همه فاصله دارد؟ پاسخ روشن است، زیرا تامین سلامت و بهداشت انسانها نه بر اساس نیازها بلکه به مکانیزم بازار آزاد واگذار شده است. زیرا در مقابل هزاران میلیارد دلاری که صرفه هزینه های نظامی میشود، هزینه زیرساختهای بهداشتی و درمانی بسیار ناچیز اند. زیرا دولتها وظیفه مراقبتهای بهداشتی و درمانی جامعه را از دوش خود برداشته و سلامتی مردم را به ابزاری برای سوداندوزی تبدیل کرده اند، در یک کلام زیرا جامعه مطابق نیازهای نظم سرمایه داری سازمان داده شده است. در چنین شرایطی فضای حیاتی کره زمین به دلیل سودجویی سرمایه داران به شدت آلوده و مرگ آفرین شده است. جنگ و آدمکشی بر سر منافع نامشروع و در رقابتهای دولت های سرمایه داری در نقاط مختلف در جریان است. امپریالیست ها عجز خود را در مهار ویروس کرونا به نمایش می گذارند، جهان ما را به زرادخانه هایی تبدیل کرده اند که به اندازه چهار بار نابودی حیات بر روی کره زمین در آن سلاح اتمی و دیگر سلاح های کشتار جمعی انبار شده است. این جهان وارونه که به کمک دانش خلاق بشری و نیروی کار طبقه کارگر غرق ثروت و نعمت شده است، شایسته انسان امروز نیست و می تواند و باید قبل از آنکه بربریت سرمایه داری آن را به نابودی بکشد، بر روی پاهای خود قرار گیرد. در متن همه این فجایع ملزومات بنا نهادن جهانی فارغ از ستم و استثمار و سرشار از رفاه و برابری فراهم شده است. برای تحقق چنین دنیایی باید دست به کار شد.



طبقه کارگر این "مرگ های ارزان" را فراموش نخواهد کرد!



گیرد، اما کار و تولید تحت حاکمیت سرمایه داری به نرمی، آرام آرام اما بطور دائم و هر روزه قربانی می گیرد. حوادث و مخاطرات ناشی از کار، عدم ایمنی شرایط کار، مرگ ظاهراً تصادفی و بیشمار، از کارافتادگی ها و پیری زودرس، نقض عضو، انواع بیماری های مهلک ناشی از شرایط غیر بهداشتی کار تنها جلوه هایی از رفتاری است که تولید سرمایه داری در حق کارگر می کند.

واقعیت این است که کارفرمایان و دولت از سر سودپرستی و حرص و آزی که دارند، نه تمایلی به بهبود امنیت محیط کار دارند و نه نگران از دست دادن کارگران در نتیجه رویدادهای محیط ناامن کار می باشند. اینها حتی این نگرانی را هم ندارند، که کارگران از بیم جان شغلشان را رها کنند. چون می دانند هر آن که اراده کنند می توانند از میان خیل میلیونی ارتش ذخیره کار، کارگران دیگری را به کار گمارند و در همان محل و محیط غیر استاندارد و ناامن کار، هر کار شاقی را به آنان تحمیل کنند. بنابراین تا زمانی که شعله های قیام کارگران و مردم زحمتکش بساط رژیم جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری را درهم نیچیده است؛ تا زمانی که حکومت کارگران وسائل تولید را از دست سرمایه داران خارج نکرده و پروسه تولید اجتماعی را به پروسه ای انسانی و آگاهانه در خدمت رفاه، پرورش استعدادها و ساختمان زندگی انسان های آزاد و برابر تبدیل نکرده است، این خود کارگران هستند که باید با اتکاء به مبارزات متشکل و نقشه مند خود کارفرمایان و دولت را وادار به تأمین امنیت محیط کار خود بنمایند. اگر این روزها خواست تعطیلی کارخانه با پرداخت کامل حقوق و مزایا برای مقابله با شیوع کرونا، و یا کاهش ساعات کار و تأمین امکانات پیشگیری از ابتلا به این ویروس در رشته هایی که ادامه تولید حیاتی است به صدر مطالبات جنبش کارگری آمده است، این مطالبه را هم مانند هر مطالبه دیگری تنها به ضرب مبارزه و همبستگی طبقاتی کارگران می توان به سرمایه داران و دولت حامی آنان تحمیل کرد.

دست داده اند دریافت می کنند. سرمایه داران و صاحبان معادن و صنایع به اعتبار اینکه سرمایه و وسایل تولید را در مالکیت خود دارند به خود حق می دهند که برای پایین آوردن هزینه تولید ناآمن ترین شرایط و محیط های کار را به کارگران تحمیل کنند. کارگران در این جبهه کار و تولید و نبرد طبقاتی جدای اینکه به شدید ترین نحو استثمار می شوند بطور روزانه قربانی ناآمنی محیط کار می شوند و تلفات می دهند. تازه زمانی که کل جامعه در معرض خطر شیوع فاجعه بار ویروس کرونا قرار می گیرد، سرمایه داران و صاحبان صنایع مانند کارفرمای معادن گل گهر بنا به غریزه طبقاتی نه از جان کارگران، بلکه از سود سرمایه هایشان دفاع می کنند.

نگاهی به آمارها نشان می دهد که آمار تلفات این جبهه های کار و زحمت و نبرد طبقاتی کمتر از تلفات جنگ ها نیست. بنا به آمار های ارائه شده از سوی مسئولان سازمان پزشکی قانونی کشور مرگ و میر کارگران در ۹ ماهه نخست سال ۹۸ در مقایسه با زمان مشابه در سال ۱۳۹۷ افزایش ۸.۵ درصدی داشته است. بر اساس این گزارش آماری تعداد مرگ و میر ناشی از حوادث کار در ۹ ماهه نخست سال گذشته ۱۳۶۳ نفر بوده است. به این آمارها باید آمار کولبران کردستان که در نتیجه شلیک مستقیم مزدوران جمهوری اسلامی یا حوادث و سختی های مسیر راه جان خود را از دست داده اند اضافه کرد. با این حساب یعنی روزانه بطور میانگین ۶ کارگر در اثر ناآمنی محیط کار جان خود را از دست می دهند. از روی همین گزارش ها که تنها گوشه ای از واقعیت را منعکس می کنند می توان پی برد که ایران یکی از ناامن ترین و پرمخاطره ترین کشورهای دنیا برای کارگران می باشد. فرمایشی بودن نهاد های زرد دولتی جهت نظارت بر محیط های کار، عدم وجود نظام استاندارد فنی در بخش سلامت محیط های کاری، عدم وجود سازمان ها و تشکل های مستقل کارگری جهت نظارت و دفاع از حقوق کارگران چنین خسارت های مرگباری را به کارگران ایران تحمیل کرده است. اگر جنگ یکباره صدها و هزارها قربانی می

روز چهارشنبه در گزارشی تحت عنوان "مرگ ارزان دستکم ۴۵ معدنچی در سال ۹۸" آمده بود که "در سال ۹۸ دستکم ۴۵ معدنکار در سراسر ایران طی حوادث مرگبار جان باختند. خیلی از این حوادث در معادن کوچکتر رخ می دهند یا به علت منفعت طلبی معدن داران به گوش رسانه ها نمی رسند و قطعاً تعداد واقعی بیش از این رقم خواهد بود. نبود تشکل ها و اتحادیه های کارگری و ناظران ایمنی و بهداشت از بین خود کارگران موجب شده تا دست کارفرمایان در پنهان کاری آمار و عدم رعایت موارد ایمنی باز باشد. اگرچه جان کارگران معدن در سال ۹۸ اینچنین ارزان بوده است اما در همین زمان بخش معدن جزو پولسازترین و ارزشمندترین بخش های صنعت بوده است و معادن سال به سال ثروت بیشتری برای کشور کسب می کنند." این گزارش در حالی منتشر می شود که صبح روز چهارشنبه ۶ فروردین ماه بخشی از کارگران معدن گل گهر، برای چندمین روز با برپایی تجمعی اعتراضی مقابل فرمانداری سیرجان خواستار بکارگیری اقدامات لازم برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا شدند. به گفته کارگران معترض، در مجموعه معادن گل گهر سیرجان، بیش از ۱۹ هزار کارگر اشتغال دارند که به علت تعداد بالای کارگران و مراوده روزانه، در معرض خطر ابتلا به ویروس کرونا قرار دارند. این کارگران که خواستار تعطیلی این واحد معدنی هستند می گویند فرماندار به آنها اعلام کرده که "هرگونه تعطیلی واحد تولیدی گل گهر سیرجان منوط به دستور ستاد بحران است.

این گزارش ها بازتاب گوشه ای از مناسبات کار و سرمایه در ایران است، مناسباتی که بر آن منطق یک جنگ طبقاتی حاکم است. تمام کارخانه ها، مراکز تولید و محیط های کار سنگرها و جبهه های مختلف این نبرد طبقاتی هستند. در تمام این جبهه ها کارگران کار می کنند، در واقع استثمار می شوند و برای سرمایه دار ارزش اضافی تولید می کنند و در برابر، دستمزدی معادل هزینه حداقل نیازهای زندگی برای تجدید قوا و بازتولید نیروی کاری که از